



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515

یادداشت روز

## بخش‌های تاریک یک مهمانی

سه حمله خونین در فاصله‌ی زمانی اندک، همه را گیج کرده بود. سه انفجاری که بیشترین تلفات را در کابل بر جای گذاشته بود و هلمند و قندهار در رده‌های بعدی قرار گرفته بودند. اما با فرو نشستن گرد و غبار اولیه، آنچه که برای حکومت بدل به یک چالش سیاسی شد، حمله بر مهمان‌خانه‌ی والی قندهار بود. در این حمله معاون والی قندهار و چند دیپلمات امارات متحده‌ی عربی کشته شدند. والی نیز در میان زخمیان قرار داشت. به‌رغم آن‌که حکومت این حمله را محکوم کرد و جنرال رازق فرمانده امنیه‌ی قندهار آن را به طالبان و شبکه‌ی حقانی نسبت داد، امارات متحده تصمیم گرفت درباره‌ی آن تحقیقات بیشتری انجام بدهد.

امارات متحده‌ی عربی در افغانستان حضور غیرسیاسی دارد. غالباً رابطه‌ی امارات متحده‌ی عربی با افغانستان در چارچوب رابطه‌ی اقتصادی و حضور بازرگانان افغان در بازارهای این کشور جلب توجه می‌کند. امارات متحده نیز مصمم به برجسته‌سازی رابطه‌ی سیاسی‌اش با کابل نبوده است. چه این‌که امارات متحده‌ی عربی جزء سه کشوری بود که امارت طالبان را به رسمیت شناخته بودند. سقوط رژیم مورد پذیرش این کشور کوچک خاورمیانه و اجماع جهانی‌یی که بر محور افغانستان پس از طالبان شکل گرفته بود، سبب شد که امارات متحده‌ی عربی در راستای سیاست کلی‌اش در روابط سیاسی‌اش با کابل نیز محتاط‌تر باشد. به این دلیل نخستین بار بود که رسانه‌ها خبر کشته شدن چند تبعه‌ی امارات متحده‌ی عربی را در افغانستان گزارش می‌کرد. اتباعی که دیپلمات‌های...

ادامه در صفحه ۲

## ادعای وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان: بیش از ۱ میلیون نفر ۷ میلیارد دالر آورده‌اند



صفحه ۲

### راهنمای تحصیل در آلمان؛ فرصت‌ها، چالش‌ها و پیش‌نیازها

قسمت اول  
مقدمه

پس از ۲۰۰۱، به‌خصوص در جریان سال‌های اخیر، تحصیل در خارج از افغانستان دیگر منحصر و محدود به یک طبقه‌ی خاص از جامعه‌ی ما نبوده است. زمینه‌های تحصیل در خارج از کشور به‌شمول کشورهای اروپایی...

صفحه ۴

### مهاجران در افغانستان، گرفتار زمستان و جنگ

در حالی که آلمان ادعا می‌کند افغانستان یک کشور امن است، اوضاع امنیتی رو به وخامت مردم را از خانه‌هایشان به رویارویی با شرایط سخت زمستان و ادار می‌کند. سازمان‌های کمکی و حکومت ظاهراً توانایی ارائه‌ی کمک‌های کافی را ندارند

صفحه ۳

با مصرف نمودن 60 افغانی و یا بیشتر از آن در هر هفته چانس برنده شدن را بدست آورید!

با افغان بیسیم میلیونر شوید!

1 جایزه بزرگ

1,000,000

افغانی

با مصرف نمودن کریدت بیشتر، چانس برنده شدن شما بیشتر میگردد! برنده گان جوایز فقط از طریق شماره 152 مطلع خواهند شد و افغان بیسیم هیچ وقت در بدل جایزه تقاضای پول و یا کریدت نمی‌کند.



این پیشکش الی 10 نور 1396 ادامه دارد.



www.afghan-wireless.com



ارتباط دهنده افغانستان  
Connecting Afghanistan



ادامه یادداشت روز

... این کشور در کابل بودند. طبیعی است که این خبر برای امارات متحده‌ی عربی خوشایند نبود. به این ترتیب امارات متحده‌ی عربی ناگزیر بود به‌لحاظ سیاسی واکنش بهتری انجام دهد و در برابر تازگی و پیچیده‌گی این حمله نیز بی‌تفاوت نباشد. امارات متحده‌ی عربی با پیگیری و انجام تحقیقات مستقل یا در همکاری با نهادهای امنیتی کشور، می‌خواهد از یک‌سو نشان بدهد که مرگ دیپلمات‌های این کشور بی‌صدا نمی‌ماند و از سوی دیگر می‌خواهد دریابد که این حمله با چه میکانیزمی انجام شده و رابطه‌یی میان علت این حمله و حضور دیپلمات‌های این کشور وجود دارد یا نه. گفته می‌شود کسانی که در مهمان‌خانه‌ی والی قندهار جمع شده بودند، بر سر مصالحه با طالبان صحبت می‌کرده‌اند. امارات متحده‌ی عربی گرچه در ظاهر نقش چندانی در این روند ندارد، اما روشن است که «دبی» جایی برای دیدارهای نمایندگان طالبان با دیپلمات‌های افغان یا اروپایی بوده است. امارات متحده‌ی عربی در نقش تسهیل‌کننده‌ی بخشی از این گفت‌وگوها ظاهر شده است. همین مسأله حضور این دیپلمات‌ها را در مهمانی والی قندهار قابل فهم می‌سازد. از این منظر، این پرسش طرح می‌شود که آیا این حمله ریشه در موضوع گفت‌وگو در این جلسه داشته یا موضوع دیگری باعث آن بوده است؟

دیدگاه‌های متفاوتی در این مورد قابل طرح است. مبتنی بر یک گمان، این حمله می‌تواند یک تصفیه‌حساب سیاسی داخلی باشد. از این منظر، می‌توان گفت که حمله برای گرفتن جان والی قندهار یا یکی از اعضای آن مهمانی طراحی و اجرا شده است. مبتنی بر گمانی دیگر می‌توان گفت که طالبان یا دیگر مخالفان مسلح دولت این حمله را در ذیل طرح «حمله به اهداف دولتی» اجرا کرده‌اند. اما گمان سوم که می‌توان آن را عاملی بر جدیت امارات متحده برای بررسی این حادثه نیز شمرد، این است که ممکن است این حمله به‌صورت آگاهانه ربط وثیقی با برنامه‌ی اصلی این مهمانی داشته باشد. به این دلیل کشاندن پاکستان در حادثه‌ی کشته شدن دیپلمات‌های اماراتی این منازعه را جدی‌تر سازد. ارگ چه در خبرنامه‌اش در مورد این حادثه و چه در نشر محتوای گفت‌وگوی تلفنی رییس‌جمهور غنی با رییس ستاد ارتش پاکستان، طراحی این حمله را به گروه‌های تروریستی مستقر در پاکستان ربط داده است و سپس پاکستان را به‌دلیل آزادگذاشتن این گروه‌ها مقصر دانسته است.

به هرحال، پیچیده‌گی این حمله نیاز به ابهام‌زدایی از لایه‌های تاریک این مهمانی را افزایش داده است. گرچه امنیت ملی گفته است که مبتنی بر بررسی‌های این نهاد، حمله‌کننده بر این مهمانی در مدرسه‌یی در مناطق قبایلی پاکستان آموزش دیده و این حمله نیز در پاکستان طراحی شده، اما تاکنون تحقیق قابل اعتنایی انجام نشده است. اقدام امارات متحده‌ی عربی برای گماشتن گروه بازرسان پولیس لندن، و همکاری بازرسان داخلی و امارات متحده‌ی عربی، از یک‌سو پاسخی به چه‌گونگی انجام این حمله‌ی تروریستی خواهد داد و از جهتی دیگر با اندکی تردید می‌توان گفت واقعیت این مسأله را که کشف می‌کند. نتیجه‌ی این ارزیابی قطعاً با پیامدهای سیاسی‌یی همراه خواهد بود. این نتیجه می‌تواند به موجی از تنش‌های سیاسی داخلی دامن بزند و یا باعث تشدید اختلاف سیاسی با پاکستان شود. همه چیز بستگی به راز این مهمان‌خانه‌ی مهمان‌کش دارد.

**اطلاعات روز:** سید حسین عالمی بلخی، وزیر امور مهاجرین و عودت‌کنندگان می‌گوید در سال ۲۰۱۶ از درک عودت و بازگشت دوباره‌ی مهاجرین، بیش از هفت میلیارد دالر وارد اقتصاد کشور شده است.

آقای بلخی که در مراسم افتتاحیه‌ی مرکز معلوماتی دیجیتال برگشت کنندگان دیروز (سه‌شنبه) صحبت می‌کرد، گفت: «براساس تحقیقات ابتدایی که انجام دادیم، فکر می‌کنم در عرصه‌ی مهاجرت کار جدیدی باشد... در همین سالی که ما استیم بر اساس برآوردی که شده بیشتر از هفت میلیارد دالر از آدرس مهاجرین و عودت‌کننده‌ها، وارد اقتصاد کشور شده است.»

این پول شامل مبالغی که عودت‌کنندگان افغان با خود آورده و کمک‌هایی که از سوی مؤسسات به عودت‌کنندگان دارای مدرک و فاقد مدرک توزیع شده است، می‌شود.

بر اساس آمار وزارت مهاجرین، در سال ۲۰۱۶ میلادی، بیش از یک میلیون افغان وارد کشور شده که حدود ۹۷۵ هزار این افراد داوطلب بوده‌اند. از سوی دیگر بر اساس یک تخمین بانک جهانی، به‌صورت اوسط، سالانه بیش از سه میلیارد دالر از سوی مهاجرین افغان در خارج، به داخل افغانستان حواله می‌شود. اما آقای بلخی گفت که هزینه‌ی انتقال حواله‌ها در حال حاضر، بیش از پنج فیصد است و افغانستان تلاش می‌کند که در برنامه‌ی توسعه‌ی پایدار که دولت‌ها مؤظف‌اند تا ۲۰۳۰ میلادی آن را تطبیق کنند، هزینه‌ی حواله‌ها را از

## ادعای وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان: بیش از ۱ میلیون نفر ۷ میلیارد دالر آورده‌اند

پنج فیصد به سه فیصد کاهش دهد.

**افتتاح مرکز معلوماتی دیجیتال**

مرکز معلوماتی دیجیتال برگشت کنندگان که به کمک مالی اداره‌ی جمعیت، پناهندگان و مهاجرت ایالات متحده‌ی امریکا (BPRM) و همکاری سازمان جهانی مهاجرت (IOM)، در چوکات ریاست آی‌تی‌سی وزارت امور مهاجرین افغانستان ایجاد شده‌است، دیروز افتتاح شد.

براساس گفته‌های وزیر امور مهاجرین، در این مرکز هم‌زمان تمام ارقام برگشت‌کنندگان از ولایات مرزی، شمار افراد بی‌جاشده و تعداد کسانی که آسیب‌پذیراند، ثبت می‌گردد.

این مرکز تمام مشخصات عودت کنندگان و بیجاشدگان را ثبت می‌کند.

آقای بلخی گفت که در حال حاضر، مرزهای تورخم در ننگرهار و اسلام‌قلعه‌ی هرات با این مرکز وصل شده‌اند و به زودی مرزهای نیمروز و سپین بولدک قندهار نیز وصل خواهند شد. او افزود که تا آخر سال ۲۰۱۷ میلادی، به‌شمول میدان هوایی کابل، هشت ولایت دیگر نیز به این مرکز معلوماتی دیجیتال وصل خواهند شد. افغانستان یکی از کشورهایی است که سیستم اداری آن سستی است و اکثراً اسناد و مدارک به‌صورت کتبی در قفسه‌ها نگهداری می‌شود. اما اخیراً تلاش‌ها برای دیجیتال‌سازی سیستم اداری به خصوص وزارت‌هایی که با ارقام و اعداد سروکار دارند، آغاز شده است.

### قطر فرودگاه ولایت فراه را گسترش می‌دهد

چهارونیم میلیون دالر امریکایی می‌شود که از سوی مؤسسه‌ی الغرافه پرداخت خواهد شد. دکتر قاسم وفایی‌زاده، معین پالسی و پلان اداره‌ی مستقل هوانوردی ملکی گفت که با پایان کار توسعه‌ی فرودگاه ولایت فراه، امکان تبدیل شدن این آن به یک فرودگاه بین‌المللی در افغانستان فراهم می‌شود.

براساس خبرنامه‌ی این اداره، خط رنوی (خط پرواز) فرودگاه فراه سال گذشته به‌صورت پخته و اساسی به‌طول ۱۷۰۰ متر و عرض ۳۵ متر ساخته شده بود. با اكمال کار توسعه‌ی خط پرواز این میدان امکان نشست و برخاست هواپیماهای بزرگ نوع ایربیس ۳۱۹، ۳۲۰ و ۳۲۱ و هواپیمایی بوئینگ ۷۳۷، ۴۰۰ الی ۸۰۰ و هواپیماهایی MD با در نظر داشت معیارها و تعلیم نامه‌ها فراهم می‌شود. در خبرنامه آمده که سروری، برآورد و دیزاین فرودگاه فراه و تأسیسات آن در مطابقت به معیارهای بین‌المللی از سوی اداره‌ی مستقل هوانوردی ملکی صورت گرفته و این اداره از جریان پیشرفت کار و کنترل کیفیت نظارت مستمر انجام می‌دهد.

### افغانستان؛

### آموزشگاه مظنون حمله بر کلوب شبانه در استانبول

ارزهای خارجی کشف شده‌است. پولیس ترکیه دو هفته در جست‌وجوی عبدالقدیر مشاریپف با اسم رمزی ابو محمد خراسانی بوده است. فرد مظنون پس از تیراندازی در کلوب شبانه موفق به فرار شده بود.

بن علی یلدرم، نخست‌وزیر ترکیه گفته است: «بازداشت کسی که این حمله‌ی وحشتناک را انجام داده است، دستاورد بزرگی است. با گرفتاری او، افراد پشت پرده این رویداد نیز شناخته خواهند شد.»

تصاویر نشر شده از این مظنون بازداشت شده توسط رسانه‌های ترکی نشان می‌دهند که صورت او کیود شده و خون‌آلود است. رسانه‌های ترکیه گزارش داده‌اند که فرد بازداشت شده برای بازجویی به مقر اصلی پولیس انتقال داده شده و معاینات طبی‌اش نیز جریان دارد. برعلاوه مشاریپف، چهار تن دیگر به‌شمول یک شهروند قرغیزستان بازداشت شده‌اند. مقام‌ها گفته‌اند آپارتمانی که این افراد در آن بازداشت شده‌اند، مربوط به یک قرغیزی بوده است. سه فرد بازداشت شده دیگر از کشورهای سننگال، مصر و سومالیا هستند.

### ناتو، امارات و افغانستان تحقیق در مورد حمله بر مهمان‌خانه‌ی والی قندهار را آغاز کردند

اطلاعات روز: براساس هدایت رییس‌جمهور غنی، هیأت مشترک کارشناسان امنیتی افغانستان در همکاری با گروه‌های تحقیقاتی امارات متحده‌ی عربی و نیروهای ائتلاف به رهبری ناتو تحقیق در مورد حمله بر مهمان‌خانه‌ی والی قندهار را آغاز کرده است.

ریاست عمومی امنیت ملی ضمن اعلام این خبر در خبرنگارمه‌یی که به رسانه‌ها فرستاده گفته است که اطلاعات اولیه‌ی نیروهای امنیتی کشور نشان می‌دهد این حمله در پاکستان طرح‌ریزی شده بود. امنیت ملی گفته که برنامه‌ریزی انفجار در مهمان‌خانه‌ی والی در یکی از مراکز آموزش افراد انتحاری تحت نام مدرسه‌ی «مولوی احمد قندهاری» در شهر کویته‌ی پاکستان صورت گرفته است.

در همین حال، جنرال عبدالرازق، فرمانده پولیس قندهار نیز گفته است بررسی‌های نخست نشان می‌دهد که طالبان مسلح به کمک استخبارات پاکستان، در پی هدف قراردادن مکان مهم دولتی بوده‌اند.

جنرال رازق روز گذشته به خبرنگاران گفته است: «طالبان مسلح با رهنمایی آی-اس-آی از مدت طولانی به این طرف بالای حمله‌یی مشترکاً کار کرده‌اند که مثل رویداد میدان هوایی قندهار، بالای یک مکان مهم دولتی حمله‌ی خونین را انجام دهند.» در ماه قوس سال گذشته‌ی خورشیدی ۱۱ شورش‌ی طالب بالای میدان‌هوایی قندهار حمله کردند و به مدت ۲۴ ساعت با نیروهای امنیتی به درگیری پرداختند. در این درگیری ۵۰ نظامی و غیرنظامی کشته شدند.

فرمانده پولیس در مورد بررسی‌های اولیه‌ی حمله بر مهمان‌خانه‌ی والی گفته است که ۱۷ پولیس و کارمند مقام ولایت به ظن همکاری با طالبان، تحت تحقیق قرار گرفته‌اند.

او همچنان خبر داده که به‌خاطر تحقیقات بیشتر، پولیس بریتانیا موسوم به «اسکاتلند یارد» در ترکیب دومین هیأت امارات متحده‌ی عربی به ولایت قندهار رسیده است.

ریاست عمومی امنیت ملی وعده داده که دریافت‌های تحقیق را با مردم افغانستان و جهان شریک خواهد ساخت .

در انفجار شام سه‌شنبه در مهمان‌خانه‌ی والی قندهار ۱۳ تن به‌شمول معاون والی قندهار، یک عضو مجلس نمایندگان و یک عضو مجلس سنا و پنج دیپلمات امارات متحده‌ی عربی کشته شدند.

#### واکنش‌ها به تصویب طرح اطلاق کلمه‌ی «شهید» به جان‌باختگان نیروهای امنیتی از سوی مجلس نمایندگان

**اطلاعات روز:** مجلس نمایندگان روز دوشنبه طرحی را تصویب کرده که براساس آن رسانه‌های دولتی و خصوصی مکلف‌اند که برای جان‌باختگان نیروهای امنیتی از کلمه‌ی «شهید» استفاده کنند. وزارت داخله با استقبال از تصویب این طرح گفته است که شهید خواندن جان‌باختگان نیروهای امنیتی کشور، بر روحیه‌ی این نیروها تأثیر مثبت می‌گذارد و جنگ عقیده‌تی گروه‌های دهشت‌افکن و تروریست را نیز تحت الشعاع قرار خواهد داد.

در اعلامیه‌ی وزارت داخله آمده که «مبارزه نیروهای امنیتی افغانستان، مبارزه‌ی برحق است و از اطلاق وصف شهید، بر جان‌باختگان این نیروها نیز حکم شرعی دارد.»

وزارت داخله همچنان تصویب این طرح را پشتیبانی و حمایت سراسری مردم به‌ویژه نمایندگان مردم در مجلس، از نیروهای امنیتی کشور و حقانیت مبارزه‌ی این نیروها با تروریسم خوانده است.

**نی: دولت باید مصونیت بیشتر خبرنگاران و رسانه‌ها را تضمین کند**

دفتر نی یا حمایت‌کننده‌ی رسانه‌های آزاد افغانستان نیز ضمن استقبال از تصویب این طرح گفته است که دولت باید بیشتر به مصونیت و امنیت خبرنگاران و رسانه‌ها توجه کند.

در خبرنگارمه‌ی دفتر نی آمده است: «آنچه برای ما مهم است این‌که دولت افغانستان باید در این ارتباط مصونیت و امنیت خبرنگاران و رسانه‌های خصوصی را نیز مد نظر داشته باشد و نگذارد تا مخالفین ایشان، خبرنگاران را به‌خاطر استفاده از این‌گونه ادبیات مورد هدف قرار بدهند و از ایشان قربانی بگیرند.»

نی نیز گفته که به‌کار بردن کلمه‌ی «شهید» برای جان‌باختگان نیروهای امنیتی کشور تأثیرات ژرفی را در بالا بردن روحیه‌ی سربازان نیروهای امنیتی خواهد گذاشت.



# مهاجران در افغانستان، گرفتار ز مستان و جنگ

در حالی که آلمان ادعای کند افغانستان یک کشور امن است، اوضاع امنیتی روبه وخامت مردم را از خانه‌های شان به رویارویی با شرایط سخت زمستان و ادار می کند. سازمان های کمکی و حکومت ظاهر اتوانایی ارائه‌ی کمک‌های کافی را ندارند

دو پچه و یله / وصلت نظیمی ■ ترجمه: حمید مهدوی



**تعداد بیجاشدگان داخلی همراه با آن‌هایی که از پاکستان عودت می‌کنند تقریباً ۲ میلیون تن است و این تعداد با رسیدن [عودت‌کنندگان] بیشتر از پاکستان، اروپا و آلمان افزایش خواهد یافت. حکومت و سازمان‌های کمک‌رسان به سختی از عهده‌ی این وضع بر خواهند آمد و این مسأله هم‌اکنون واضح شده است چون کمک به بیجاشدگان داخلی در افغانستان در حال حاضر پراکنده و ناهماهنگ است. خیبر محمد در کابل می‌تواند این را گواهی بدهد. او گفت: «امروز ما یک کیسه آرد از یک سازمان کمک‌رسان دریافت خواهیم کرد و فردا سازمان کمک‌رسان دیگر برای ما چوب سوخت خواهد آورد.» «اما ما حیوان نیستیم که شما برایش چیزی بیاندازید. ما خواهان فرصت برای آموزش کودکان مان هستیم و به شفاخانه‌ی ضرورت داریم». به‌عنوان یک پدر، محمد مواظب کودکانش است و زمستان طولانی است.**

در کابل برای بهبود اوضاع افرادی مانند او هیچ کاری انجام نداده است. ظاهر گفت: «اشرف غنی، رئیس‌جمهور ما، اعلان کرد که هر افغانی که از پاکستان به کشور بازگشت کرده است هدایا و زمین دریافت خواهد کرد» و علاوه کرد که انتظارات او برآورده نشده‌اند: «چنین اتفاقی نیافتاده است». ظاهر هر روز در یک کارخانه‌ی خشت کار می‌کند و روزانه [معادل] شش یا هفت یورو دستمزد دریافت می‌کند. برای آغاز یک زندگی نو، او به [پول] بسیار بیشتر از آن نیاز دارد.

غلام حیدر فقیرزی، رئیس اداره‌ی مهاجران در ننگرهار به دوپچه و یله گفت که حکومت افغانستان روی یک راه‌حل کار می‌کند. او گفت: «برای بازگشت مهاجران از پاکستان، راه‌حلی برنامه‌ریزی شده است». «باید پناهگاه کافی وجود داشته باشد تا ۳۰ هزار خانواده را در خود جای بدهد». با این حال، تعداد عودت‌کنندگان، متأسفانه بسیار بالاتر است.

## پیش‌بینی غم‌انگیز

تعداد بیجاشدگان داخلی همراه با آن‌هایی که از پاکستان عودت می‌کنند تقریباً ۲ میلیون تن است و این تعداد با رسیدن [عودت‌کنندگان] بیشتر از پاکستان، اروپا و آلمان افزایش خواهد یافت. حکومت و سازمان‌های کمک‌رسان به سختی از عهده‌ی این وضع بر خواهند آمد و این مسأله هم‌اکنون واضح شده است چون کمک به بیجاشدگان داخلی در افغانستان در حال حاضر پراکنده و ناهماهنگ است. خیبر محمد در کابل می‌تواند این را گواهی بدهد. او گفت: «امروز ما یک کیسه آرد از یک سازمان کمک‌رسان دریافت خواهیم کرد و فردا سازمان کمک‌رسان دیگر برای ما چوب سوخت خواهد آورد.» «اما ما حیوان نیستیم که شما برایش چیزی بیاندازید. ما خواهان فرصت برای آموزش کودکان مان هستیم و به شفاخانه‌ی ضرورت داریم». به‌عنوان یک پدر، محمد مواظب کودکانش است و زمستان طولانی است.

نگران است که دولت اسلامی باز خواهد گشت. بسیاری از خانواده‌ها سال‌هاست که مهاجراند و چشم‌انداز آینده را از دست داده‌اند. حتی پس از آن‌که زمستان تمام می‌شود، این یک مسأله باقی خواهد ماند. مویلان گفت: «ما حکومت افغانستان، جامعه‌ی جهانی و دیگر شریکان را تشویق می‌کنیم تا با این چالش مقابله کنند» و اضافه کرد که برای بیجاشدگان داخلی افغانستان آینده‌ی باید ساخته شود. «آن‌ها به تخصیص عادلانه و سریع کار و زمین نیاز دارند».

## شانسی برای پناهندگان پاکستانی وجود ندارد

برای پناهندگان در ولایت شرقی ننگرهار، در دمای نسبتاً ملایم، آن‌ها از سرما در امان هستند؛ اما این صرف یک تسلی کوچک است. با توجه به این‌که تعداد مهاجرین به‌خصوص در چند ماه گذشته زیاد بوده است و هم چنان در حال افزایش است، حکومت محلی در این ولایت کم‌کم دست‌وپاچه می‌شود. تعداد زیاد افغان‌هایی که از کشور همسایه بازمی‌گردند دلیل اصلی این مشکل است. اداره‌ی هماهنگی امور انسان‌دوستانه‌ی سازمان ملل متحد در افغانستان برآورد می‌کند که در سال ۲۰۱۶، ۵۰۰ هزار افغان توسط حکومت پاکستان و ادار به بازگشت شدند، کشوری که گفته است می‌خواهد تمام افغان‌ها این کشور را تا ماه مارچ ۲۰۱۷ ترک کنند. بسیاری از این افراد در پاکستان تولد یافته و بزرگ شده‌اند و اکنون آن‌ها باید به یک کشور ناشناخته بروند.

نادر شاه، پس از آن‌که توسط پولیس پاکستان ترسانده شد، با خانواده‌اش فرار کرد و در گذرگاه مرزی تورخم وارد افغانستان شد. اکنون او در جلال‌آباد، مرکز ولایت ننگرهار، بودوباش دارد. او به دوپچه و یله گفت: «ما روی سرمان سقف نداریم». «به این دلیل است که مجبوریم با دوستان‌مان زندگی کنیم». ظاهر ۳۲ ساله است و داوطلبانه به افغانستان بازگشت کرد. او به دوپچه و یله گفت، حکومت

نخستین برف سال کابل را پوشانده است و در حالی که عده‌ی از مردم از [تماشای] منظره‌ی زمستان لذت می‌برند، مهاجرین در پایتخت تیره‌روزتر شده‌اند. شهرها و محله‌های فقیرنشین کابل که از خیمه ساخته شده‌اند و سرپناه اضطراری پناهجویان‌اند، دفاع اندکی در برابر سرما و رطوبت فراهم می‌کند. هم‌چنین لباس و کفش‌های ضد آب زمستانی نیز وجود ندارد و بسیاری از کودکان تنها سرپایی می‌پوشند و در غیر آن پاهای‌شان برهنه است. همه‌ی این عوامل خطر بالای عفونت ایجاد می‌کند.

خیبر محمد، پناهنده‌ی که با خانواده‌اش در خیمه‌ی در شرق کابل زندگی می‌کند، به دوپچه و یله گفت: «این‌جا شفاخانه‌ی وجود ندارد». آن‌ها از شر طالبان در ولایت بغلان، در شمال پایتخت، فراری شده‌اند. او گفت: «ما باید برای به‌دست آوردن دوا برای کودکان‌مان فواصل طولانی‌یی را طی کنیم و به این دلیل شبانه [خانه] را ترک می‌کنیم». اما دوا گران است و ما مجبوریم برای کمک به کودکان‌مان پول قرض کنیم». محمد نگران است که کودکان‌اش در زمستان زنده نخواهند ماند.

## بدر شدن اوضاع امنیتی در افغانستان

در سال ۲۰۱۶، بیش از ۶۰۰ هزار تن در داخل مرزهای افغانستان از جنگ فرار کردند، در حالی که دیگران سال‌هاست که بی‌جاشده‌اند. بیش از نیم آن‌ها زیر ۱۸ سال هستند. به گزارش آژانس مهاجرین سازمان ملل متحد، در ماه دسامبر ۲۰۱۶ به‌صورت مجموعی بیش از ۱.۵ میلیون بیجاشده‌ی داخلی در افغانستان وجود داشت. در گزارشی که روز سه‌شنبه توسط اداره‌ی هماهنگی امور انسان‌دوستانه‌ی سازمان ملل متحد در افغانستان آمده است که تعداد بیجاشدگان داخلی ثبت شده از اواسط ماه دسامبر تاکنون ۴۰ هزار تن افزایش یافته است و انتظار می‌رود که بیشتر افزایش باید بحران فعلی مهاجرین نتیجه‌ی مستقیم بدر شدن اوضاع امنیتی در افغانستان است، که در مقایسه با سال‌های [اخیر] در بدترین حالت است. حل این بحران، مسئولیت بزرگی برای این کشور است. تقریباً در هر ولایتی - به‌ویژه در قندوز، ارزگان، هلمند و ننگرهار - جنگ جریان دارد. اکثریت مهاجرین از این ولایت می‌آیند.

## فاجعه‌ی انسانی

به گفته‌ی دانیل مویلان، سخنگوی اداره‌ی هماهنگی امور انسان‌دوستانه‌ی سازمان ملل متحد در افغانستان، سازمان‌های بی‌شماری با حکومت افغانستان کار می‌کنند تا به خانواده‌های مهاجرین که اغلب در زمستان آسیب‌پذیر هستند، کار کنند. مویلان به دوپچه و یله گفت: «می‌خواهیم مطمئن باشیم که باوجود هجوم مهاجرین و بیجاشدگان داخلی، می‌توانیم دسترسی به پناهگاه، غذا، آب پاک، امکانات بهداشتی، تسهیلات صحنی و محافظت را تضمین کنیم».

اما به نظر نمی‌رسد که سطح فعلی کمک‌ها کافی باشد. سازمان کمکی صلیب سرخ افغانستان در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که دارد یک فاجعه‌ی انسانی اتفاق می‌افتد. «متأسفانه، هم سازمان‌های بین‌المللی و هم حکومت افغانستان قادر به پاسخگویی به تقاضای کمک نیستند». صلیب سرخ افغانستان علاوه کرد که هرچند آن‌ها برای زمستان و جاری شدن سیلاب در بهار آماده‌اند، با سطح فعلی منابع جلو بحران کنونی را گرفته نمی‌توانند.

## ترس از بازگشت به خانه

بسیاری از مهاجران داخلی افغانستان پناهگاه ندارند تا خودشان در زمستان گرم نگه‌دارند. ضیاء‌الرحمن به دوپچه و یله گفت که او و خانواده‌اش از [شر] به اصطلاح دولت اسلامی فراری شده‌اند. او گفت: «اما خوراکی دریافت کردیم، اما خیمه یا حتی سقفی روی سرمان نداریم» و اضافه کرد که نمی‌خواهد به این زودها [به خانه‌اش] بازگردد. هرچند جنگ در ولسوالی او فروکش کرده است، او

## خبرنگار ناراضی

### پارلمان از جنازه‌ی سربازان سهم بر می‌دارند

وقتی بحث از نیروهای امنیتی می‌شود، فکر ما اتومات طرف سربازانی می‌رود که شب‌ها و روزها مصروف تلاش برای تأمین امنیت‌اند. یا در خط مقدم جنگ‌اند، یا هر لحظه احتمال آن‌که دشمن بر آن‌ها حمله کند، وجود دارد. اما نیروهای امنیتی از سرقوماندان اعلی قوای مسلح شروع تا بی‌درجه‌ترین سرباز را شامل می‌شود. در فاصله‌ی میان سرقوماندان اعلی قوای مسلح تا سربازان بی‌درجه، درجه‌های بسیاری وجود دارد که نیروهای امنیتی کشور را درجه‌بندی می‌کند. در مورد سرقوماندان اعلی قوای مسلح کشور که حرفی وجود ندارد، ایشان در آخرین نطق امنیتی خویش گفته که عاملان حملات سه‌شنبه‌ی هفته‌ی گذشته، در پاکستان آزادانه زندگی می‌کنند، نیرو استخدام می‌کنند، آن‌ها آموزش می‌دهند و به افغانستان می‌فرستند تا مردم ما را به خاک سیه بشناسند. بناً ما انتقام خویش را خواهیم گرفت.

از سرقوماندان که پایین‌تر بیایم، جنجال‌ها شروع می‌شود. یکی را می‌بینیم که به‌خاطر قتل‌گاه خویش جنرال شده. نه تعریفی از دشمن دارد و نه برایش مهم است. فقط به خودش می‌اندیشد، این‌که از چه کسی چه مبلغی، از کدام پروژه چند فیصد، به چه شیوه‌ی پول اخذ کند. دیگری را می‌بینیم که به‌لحاظ سهمیه‌بندی از آدرس فلانی رهبر قومی مقرر شده، ادعای ترفیع دارد، معاش بلند می‌خواهد، از این‌که امضایش نمی‌چلد ناراحت هم هست، خلاصه تنها کاری که در طول دو سال تقررش کرده، این است که یک خانه در مساحت شش بسوه با شش طبقه برای خودش ساخته و یک مارکیت هم به نام پسرش ساخته است. از این‌ها که بگذریم، می‌بینیم جنرالانی هم وجود دارند که ماهانه دو نوع معاش دریافت می‌کنند. یکی از حساب حکومت افغانستان و دیگری که معلوم نیست از کجا می‌آید، و هرچه بیشتر بگردیم، بیشتر گیج می‌شویم.

بعد از جنرالان، نوبت می‌رسد به مقامات پایین‌تر. تعدادی از این مقامات، برای رسیدن به رتبه‌ی جنرالی مدام در حال خوش‌خدمتی به جنرالان و بزرگواران است. اصلاً یادشان رفته که وظیفه‌ی دیگری دارد. تعدادی هم در فکر زدن از صابون و شامپوی سربازان و البسه‌ی‌شان‌اند. خلاصه هرکسی سودایی دارد و با تمام وجود و وجدان به دنبال سودای خویش است.

از این‌ها هم که بگذریم و از مقامات کمی پایین‌تر از این‌ها هم که بگذریم، یعنی از میدان چاپلوسی و دزدی و واسطه و تملق که بگذریم، می‌رسیم به سربازان. سربازان نه درجه دارند، نه صابون و شامپوی‌شان کامل می‌رسد، نه هم معاش کافی دارند و بارها شنیدیم که از کمبود خوراکی و تجهیزات هم شکایت دارند. این‌که از منوی غذایی‌شان کدام قوماندا کم کرده، معلوم نیست. رتبه‌اش دگروال بوده یا دگرم، مهم نیست. همین مقامات، حتی از پل ریش سربازان هم حق خود را می‌گیرند. انگار در لگن خاصره‌ی این مقامات هفده برابر کله‌ی سربازان موی سبز می‌کند.

با تمام این‌ها و این‌که همه‌ی ما قبول داریم این‌ها بهترین فرزندان کشوراند، پارلمان کشور آمده از خود مایه گذاشته، تصمیم گرفته که در صورت کشته‌شدن سربازان، باید برای آن‌ها شهید خطاب شود. کاش من می‌توانستم به این وکلا بگویم که عزیزان مملکت! واقعاً دم‌تان گرم! مشکل امنیت حل شد به‌خیر! حالا بگذریم از رای اعتماد به وزیر آن‌چنانی، از یکی از وکلا سوال شد که چه باعث شد این تصمیم را بگیرد؟ در پاسخ گفته: طالبان بسیار حسود مردماس. وقتی ما مرده‌ی سرباز خود شهید بگوییم، طالبان دیگر سربازانه نمی‌کشد.

درسته که پارلمان از جو‌باب و نیکر سربازان سهم نه‌وداشته، اما باور کنید روپوش ساختن بر کم‌کاری‌ها با کلمه‌ی «شهید»، مثل آن می‌ماند که پارلمان سهم خود را از جنازه‌ی سربازان بگیرند.



# راهنمای تحصیل در آلمان

## فرصت‌ها، چالش‌ها و پیش‌نیازها

اسدالله جاوید - دانشجوی دوره دکتری در آلمان ■ قسمت اول

### مقدمه

پس از ۲۰۰۱، به‌خصوص در جریان سال‌های اخیر، تحصیل در خارج از افغانستان دیگر منحصر و محدود به یک طبقه‌ی خاص از جامعه‌ی ما نبوده است. زمینه‌های تحصیل در خارج از کشور به‌شمول کشورهای اروپایی و امریکا تقریباً برای همه‌ی علاقه‌مندان واجد شرایط مهیا شده است. آلمان در بین کشورهای غربی، یکی از عمده‌ترین میزبانان دانشجویان افغانستانی در سال‌های اخیر بوده است. عوامل متعددی مانند کیفیت بالا و معیاری دانشگاه‌های آلمان، ارابه‌ی برنامه‌های متعدد به زبان انگلیسی، هزینه‌ی نسبتاً کم تحصیل در آلمان و وجود بورسیه‌های متنوع در تبدیل کردن آلمان به یکی از محبوب‌ترین کشورها برای دانشجویان افغانستانی، نقش دارند. قابل یادآوری است که آلمان نه تنها برای دانشجویانی از افغانستان، بلکه برای دانشجویان سایر کشورها نیز یک مقصد محبوب است. براساس آمار موجود، بیش از ۲۶۵ هزار دانشجوی خارجی در دانشگاه‌های آلمان مصروف تحصیل و تحقیق می‌باشند که این رقم حدود ۱۰ درصد کل دانشجویان در دانشگاه‌های آلمان را تشکیل می‌دهد.

همکاری آکادمیک آلمان و افغانستان سابقه‌ی طولانی دارد. این همکاری بعد از روی کار آمدن دولت‌های موقت و انتقالی و همزمان با حضور گسترده‌ی آلمان در زمینه‌های نظامی و ملکی در افغانستان، وارد مرحله‌ی نوین شد. موسسه‌ی خدمات تبادلوی آکادمیک آلمان (DAAD) در مرکز فعالیت‌های آکادمیک آلمان در افغانستان قرار داشته و این موسسه از سال ۲۰۰۲ به این سو زمینه‌ی تحصیل، تحقیق و یا ارتقای ظرفیت بیش از ۳ هزار نفر از استادان و دانشجویان از رشته‌های مختلف را در آلمان فراهم نموده است.

با افزایش تقاضا برای تحصیل در آلمان، یک تعداد زیاد علاقه‌مندان در جست‌وجوی معلومات دقیق و مفصل درباره‌ی نحوه‌ی ارابه‌ی درخواستی، پیش‌نیازها و سایر موارد مربوط به فرصت‌های تحصیل در آلمان می‌باشند. با وجود این که «داد» دارای یک دفتر معلومات‌دهی در وزارت تحصیلات عالی است، دسترسی به این مرکز بنا به دلایل متعدد برای خیلی‌ها دشوار می‌باشد. روی همین ملحوظ، در این سلسله نوشتار که شامل سه قسمت می‌باشد، سعی می‌نمایم تا معلومات به‌روز شده و دقیق در مورد زمینه‌های تحصیل در آلمان را خدمت خوانندگان عزیز روزنامه‌ی اطلاعات روز ارابه‌ی نمایم. امیدوارم ارابه‌ی این معلومات کمک هر چند ناچیز برای علاقه‌مندان باشد. باید یادآوری نمایم که معلومات ارابه‌ی شده در این سلسله نوشته‌ها تمام موارد مربوط را در بر نمی‌گیرد، ولی سعی من بر این است که موارد مهم و عمده را یادآوری نموده و جهت حصول معلومات بیشتر، آدرس‌های درست را با خوانندگان علاقه‌مند شریک نمایم. در این نوشته‌ها یک تعداد برنامه‌هایی که برای ارتقای ظرفیت استادان دانشگاه‌های مشخص دولتی (مثل دانشگاه‌های کابل، مزار شریف، قندهار...) راه‌اندازی شده و به‌صورت مشترک توسط «داد» و وزارت تحصیلات عالی مدیریت می‌شوند، مورد بحث قرار نمی‌گیرد.

برای تحصیل در آلمان یک کاندید به‌صورت عموم به موارد ذیل نیاز دارد:

- ۱) داشتن پذیرش از یکی از دانشگاه‌ها آلمان
  - ۲) منابع مالی لازم برای پرداخت فیس، مصارف روزانه‌ی زندگی، بیمه و غیره
- باید یادآور شوم که برای اخذ ویزای آلمان، بر علاوه‌ی دو مورد فوق‌الذکر که از جمله موارد اصلی‌اند، بعضی مدارک دیگر نیز نیاز است. این مدارک در وب سایت سفارت آلمان در کابل قابل

دسترس است.

قبل از این که وارد جزئیات بیشتر شوم، لازم است که یک نکته را با تاکید در این جا خاطر نشان کنم. تجربه‌ی شخصی من و خیلی از کاندیدانی که موفق به دریافت بورس شده‌اند، نشان می‌دهد که موارد ضروری و مهم برای اخذ بورسیه و تحصیل در آلمان عبارت‌اند از علاقه‌مندی، تلاش، پشت‌کار، و از دست ندادن امید. پروسه‌ی تکمیل و ارابه‌ی درخواست برای بورسیه و اخذ پذیرش یک پروسه‌ی زمان گیر و طولانی است، بنابراین حوصله‌مندی و پشت‌کار از پیش‌نیازهای ضروری برای ورود به این پروسه می‌باشد.

جهت بررسی ابعاد مهم موضوع مورد بحث، ادامه‌ی این سلسله نوشته‌ها به ترتیب ذیل ارابه می‌گردد:

قسمت اول: معرفی تحصیلات عالی آلمان و نحوه‌ی اخذ پذیرش از دانشگاه‌های این کشور

قسمت دوم: بورسیه‌های ماستری و نحوه‌ی ارابه‌ی درخواست برای آن‌ها

قسمت سوم: بورسیه‌های دکتری و نحوه‌ی ارابه‌ی درخواست برای آن‌ها

### تحصیلات عالی در آلمان

براساس آمار ارابه شده توسط «داد»، در حال حاضر بیش از دو میلیون و هفت صد هزار دانشجو در بیش از ۴۲۷ موسسه‌ی تحصیلات عالی در سراسر آلمان مصروف تحصیل یا تحقیق می‌باشند.

سیستم تحصیلات عالی در آلمان موسسات تحصیلات عالی در آلمان به سه دسته تقسیم شده‌اند:

- ۱) دانشگاه‌ها (UNIVERSITIES)
- ۲) دانشگاه‌های رشته‌های کاربردی (UNIVERSITIES OF APPLIED SCIENCES)
- ۳) کالج‌های هنر، فلم و موسیقی (COLLEGES OF ART, FILM, AND MUSIC)

کتگوری اول، شامل موسسات تحصیلات عالی می‌شود که بیشتر روی بخش‌های -تئوری و نظری- رشته‌های مختلف علوم تمرکز دارند. بعضی از این موسسات تعداد زیاد از رشته‌ها را ارابه می‌نمایند؛ در حالی که بعضی‌های دیگر بیشتر روی یک رشته‌ی خاص متمرکزند. در سراسر آلمان ۱۲۹ دانشگاه به‌صورت رسمی ثبت شده که به تعداد حدود یک میلیون و هفت صد و پنجاه هزار دانشجو در آن‌ها مصروف تحصیل و تحقیق می‌باشند. این کتگوری شامل دانشگاه‌های تخنیکی، دانشگاه‌های تعلیم و تربیه و دانشگاه‌های رشته‌ی الهیات می‌باشند.

کتگوری دوم، شامل موسسات تحصیلات عالی می‌شود که بیشتر روی بخش‌های -کاربردی- رشته‌های مختلف تمرکز دارند. رشته‌هایی که در بیشتر این دانشگاه‌ها تدریس می‌شود شامل رشته‌های مختلف انجینیری، کمپیوتر، تجارت و مدیریت می‌شود. در حال حاضر حدود نه صد و پنجاهوش هزار دانشجو در ۲۴۶ دانشگاه در رشته‌های کاربردی مصروف تحصیل می‌باشند. این موسسات، مطابق فلسفه‌ی وجودی‌شان، می‌توانند فقط تا مقطع ماستری دانشجو بپذیرند.

کتگوری سوم، شامل موسسات تحصیلات عالی می‌شود که در بخش‌های هنر، فلم، نقاشی و موسیقی دانشجو می‌پذیرند. در حال حاضر حدود سی و پنج هزار دانشجو در ۵۲ کالج هنر، فلم و موسیقی در سراسر آلمان مصروف تحصیل می‌باشند. در یک تقسیم‌بندی دیگر، موسسات تحصیلات عالی در آلمان به دو کتگوری دولتی و خصوصی تقسیم می‌شوند. اکثر موسسات تحصیلات عالی در آلمان دولتی‌اند؛ با این وجود ۱۲۰ موسسه‌ی تحصیلات عالی خصوصی نیز در سراسر آلمان

فعالیت می‌نمایند و حدود ۵ درصد کل دانشجویان مصروف تحصیل در این موسسات می‌باشند. علت اصلی کم بودن تعداد دانشجویان در موسسات خصوصی، هزینه‌ی سنگین تحصیل در این موسسات است.

قابل یادآوری است که سیستم موسسات تحصیلات عالی در آلمان مانند سیستم حکومتداری این کشور، مرکزی نمی‌باشد. به این معنا که هر یک از ۱۶ ایالت فدرال آلمان سیستم تحصیلات خود را به‌صورت مستقل مدیریت می‌نمایند.

اخذ پذیرش از دانشگاه‌های آلمان

اخذ پذیرش از یک یا چند دانشگاه در آلمان، یکی از موارد حتمی و ضروری برای تحصیل در این کشور است. چون اگر یک کاندید جایی را برای تحصیل نداشته باشد، اقدام برای درخواست بورسیه، به‌طور مثال، بی‌معنا است.

تجربه نشان داده است که اخذ پذیرش از دانشگاه‌های آلمان، به‌خصوص برای دانشجویان افغانستانی، یکی از پیچیده‌ترین و مشکل‌ترین مورد در راه تحصیل آن‌ها در آلمان بوده است. در این قسمت، سعی می‌کنیم پروسه‌ی پذیرش در دانشگاه‌های آلمان را به‌صورت عمومی بررسی نمایم. در قسمت‌های بعدی، پروسه‌ی پذیرش برای برنامه‌های ماستری و دکتری را مفصل‌تر و به‌صورت جداگانه مورد بحث قرار می‌دهیم.

جهت اخذ پذیرش از یک دانشگاه در آلمان، شما باید موارد ذیل را به ترتیب و دقت انجام دهد:

- ۱) لیست تمام دانشگاه‌های آلمان که رشته‌ی مورد نظر شما را ارابه می‌نمایند، تهیه نمایند.

اما از بین تعداد زیاد دانشگاه‌ها، فاکولته‌ها و دیپارتمنت‌های موجود و فعال، پیدا کردن لیست مشخص از دانشگاه‌هایی که مورد نظر شماست، مشکل است. این کار هر چند مشکل است، اما با جست‌وجو و وقت گذاشتن روی دیتابیس‌های آنلاین و متعدد می‌توانید با وارد کردن مشخصات برنامه یا رشته‌ی مورد نظر خود، لیست دانشگاه‌هایی که رشته‌ی مورد نظرتان را تدریس می‌کنند، را فلتر نمایید. به یاد داشته باشید که در انتخاب دانشگاه و برنامه‌ی تحصیلی باید نهایت دقت صورت بگیرد. برنامه‌ی مورد نظر باید هم‌خوانی لازم با گذشته‌ی تحصیلی و کاری شما را داشته باشد.

دو دیتابیس آنلاین که معلومات تمام رشته‌های ارابه شده توسط دانشگاه‌های آلمان را در بر داشته و استفاده از آن‌ها سریع و آسان می‌باشند، عبارت‌اند از:

I. دیتابیس آنلاین «داد»

II. دیتابیس آنلاین «تحصیل در آلمان»

برای استفاده از این دیتابیس‌ها، کوشش نمایید در حد مناسب- مشخصات خواسته شده مثل رشته و درجه‌ی مورد نظر، زبان تدریس، مقدار فیس و غیره را مشخص نمایید.

۲) بعد از مشخص کردن لیست مورد نظر خود، سعی نمایید که لیست پیش‌نیازهای هر یک از برنامه‌های فلتر شده را بررسی نموده و با اسناد دست‌داشته‌ی خود مقایسه نمایید.

در لیست دانشگاه‌هایی که شما برای خود فلتر نموده‌اید، هر دانشگاه‌ی یک لیست «اسناد ضروری» (ADMISSION REQUIREMENTS) برای ارابه‌ی درخواست دارد. این لیست شامل اسناد تحصیلی، زبان، تجربه‌ی کاری، طرح پیشنهاد تحقیق (برای کاندیدان دوره دکتری)، سی‌وی و غیره می‌شود. موارد ذکر شده در این لیست را با اسناد دست‌داشته‌ی خود مقایسه نمایید. اگر تمام اسناد مورد نیاز را در اختیار دارید و یا می‌توانید در مدت‌زمان تعیین‌شده تهیه نمایید، برنامه‌ی مورد

نظر را به لیست نهایی خود اضافه نمایید، در غیر آن برنامه‌های بعدی را چک نمایید.

در صورتی که اسناد تحصیلی شما (لیسانس و یا ماستری) از یکی دانشگاه‌های (خصوصی یا دولتی) راجستر شده در وزارت تحصیلات عالی باشد، اسناد شما به‌طورعموم توسط دانشگاه‌های آلمان پذیرفته می‌شود. گرچه بعضی از دانشگاه‌ها ممکن است، به‌علت غیر معیاری بودن کریکولم، اسناد شما را نپذیرند. توجه داشته باشید که اسناد شما باید به زبان انگلیسی (یا آلمانی) بوده و توسط وزارت تحصیلات عالی تایید شده باشد. تایید وزارت خارجه می‌تواند اعتبار اسناد شما را افزایش دهد. در صورتی که اسناد شما به زبان‌های دری یا پشتو (یا هر دو) است، باید آن را ترجمه نموده و به تایید وزارت خارجه برسانید.

۳) بعد از تهیه لیست نهایی، دوره‌ی زمانی که در جریان آن می‌توانید درخواست خود را بفرستید، را از وب‌سایت دانشگاه‌ها یادداشت نمایید.

باید توضیح بدهم که زمان فرستادن درخواست برای اخذ پذیرش از دانشگاه‌ها مربوط به برنامه‌ی بورسیه می‌شود که شما می‌خواهید برای آن درخواست بدهید. در قسمت‌های دوم و سوم این سلسله‌نوشته‌ها، بورسیه‌ها و نوع پذیرشی که شما باید داشته باشید، را بیشتر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴) با در نظر داشت نوع بورسیه‌ی که شما برای آن درخواست می‌دهید، بسته‌ی کامل درخواستی خود را مطابق رهنمون دانشگاه، برای آن تعداد دانشگاه‌ها که در لیست نهایی شما قرار دارند، بفرستید.

به‌صورت عموم، پروسه‌ی تسلیم کردن درخواستی برای اخذ پذیرش در دانشگاه‌ها، به دو صورت مستقیم یا غیرمستقیم است. در صورت اول، شما باید بسته‌ی اسناد مکمل خود را به‌صورت مستقیم به دانشگاه مربوطه ایمیل یا پست نمایید. در صورت دوم، شما باید بسته‌ی اسناد مکمل خود را به سازمان سومی به‌نام اونسی اسیست (UNI ASSIST) بفرستید. باید توجه نمایید که نحوه‌ی تسلیمی بسته‌ی درخواستی شما، در وب‌سایت هر دانشگاه و در قسمت «ADMISSION» توضیح داده شده است. برای بالا بردن احتمال پذیرش خود، شما باید موارد ذکر شده را در تمام جریان پروسه در نظر بگیرید. در صورتی که در مورد نحوه‌ی ارسال درخواستی و یا اسناد شامل آن سوال مشخص دارید که در وب‌سایت دانشگاه راجع به آن روشنی انداخته نشده، می‌توانید از طریق ایمیل جویای معلومات شوید.

در ادامه چندین آدرس برای شما معرفی می‌شود.

### لینک‌های مفید

لینک‌های ذیل برای یافتن دانشگاه‌ها و برنامه‌های مورد نظر، می‌تواند مفید باشد:

لینک‌های ذیل برای یافتن دانشگاه‌ها و برنامه‌های مورد نظر، می‌تواند مفید باشد:

- I. دیتابیس آنلاین «داد» که شامل برنامه‌های بین‌المللی دانشگاه‌های آلمان می‌شود
- II. دیتابیس آنلاین «داد» که شامل تمام برنامه‌های ارابه شده‌ی دانشگاه‌های آلمان می‌شود
- III. لیست دانشگاه‌های رشته‌های کاربردی در آلمان

IV. راهنمای کامل «داد» جهت ارابه‌ی بسته‌ی درخواستی برای پذیرش در دانشگاه‌های آلمان

V. راهنمای کامل «تحصیل در آلمان» برای ارابه‌ی درخواستی

VI. وب‌سایت اونسی اسیست

VII. لیست تمام دانشگاه‌های آلمان

VIII. لیست تمام کالج‌های هنر، فلم و موسیقی در آلمان

ادامه دارد...

## پهلنگ

سخن سخیادهاتف

## آشتی با تاریخ

من خیلی در این باره فکر کردم که چه طور می توان صلح را به کشور برگرداند. البته متوجه هستمید که وقتی از برگرداندن صلح حرف می زنیم معنایش این است که روزگاری صلح در کشور بوده و رفته و حالا باید برگردانده شود. اما خدایی اش این ادعا، با توجه به این که ما شیریم، چندان به دل نمی نشیند. چون معنای آن این می شود که در دوره هایی از تاریخ کهن یا معاصر مملکت ما شیر نبوده ایم. آخر شیر با صلح چه گونه جور می آید؟ اگر هم ما شیر بوده ایم و هم صلح برقرار بوده، حتما در دوره های پسین در مفهوم شیر یا صلح تغییر آمده. مثلا ما شیر بوده ایم و صلح برقرار بوده، اما صلح معنای دیگری داشته. همان گونه که صلح در صحراهای افریقا معنای متفاوتی دارد. در آن جا شیر که گرسنه شد، از کنام خود بیرون می آید و سر راه لشکری از گاوها می نشیند و در موقع مناسبی بر یکی از آنان حمله می برد، پاره پاره اش می کند و لب های خود را می لیسد. گاوهای دیگر که دیدند شیر یکی را گرفته و گلوش را می فشارد، خاطرشان جمع می شود و در کمال صلح و بی خیالی شروع می کنند به چریدن. یعنی هم شیر شیر است و می غرد و حمله می کند و پاره می کند و استخوان می شکند و روده می کشد، هم گاو گاو است و در صلح کامل به چریدن ادامه می دهد. احتمال دارد به این معنا در ملک ما صلح برقرار بوده باشد.

احتمال دیگر این است که ما شیر متفاوتی بوده ایم و هستیم. یعنی مثلا پشک مردنی و لاغری بوده ایم و در پیچی از تاریخ به توهم خود-شیر-پنداری گرفتار آمده ایم. در این صورت هم صلح بود؛ نوعی صلح پشکانه. پشک را دیده اید که گاهی دم خود را ورم می دهد و اکت شیر می کشد. ولی غالبا تبیل و بی عار است و هر طرف که افتاد خواش می برد. اگر شیر از این نوعش بوده باشیم، باز البته که صلح داشته ایم؛ از همان نوع بی بخار پشکانه ای که کشارش هم داشته ایم. من شخصا معتقدم که صلح ما چه از نوع اولش بوده باشد و چه از نوع دوم، برگرداندن هیچ یک از آنها به صلاح نیست. علت اش هم این است که این همه شیر و پشک و گاو و... شدن دل ما را زد. نزد چه طور است یک چندی خودمان باشیم، اعتماد به نفس انسانی خود را بالا ببریم و برای نشان دادن فضایل خود هر لحظه دست به دامان سگ و شیر و پلنگ و پشک و گاو و خر نشویم. حالا ممکن است برسید که این اعتماد به نفس انسانی را از کجا بیآوریم؟ به نظر من آسان است. فقط یک لحظه به همت عقاب فکر کنید، به قدرت نهنگ بیندیشید، هیبت اژدها را تصور کنید... نه، مثل این که به این آسانی از دست حیوانات خلاصی نداریم. خیلی خوب، بیاید مثل شیر صلح را به وطن عزیز خود برگردانیم. اصلا همین قسم که حالا هست خوب است. ما را تیر از برگرداندن صلح.

دعوت به اندیشیدن  
به چیزی بیش از «سیاست»

■ عمران راتب

بر خوداراند. تردیدی نیست که با این تبیین، بهترین موقعیت در اختیار آنهایی است که عملا چرخه های سیاست را می گردانند. از این رو، چرخه گردانان مجازاند که پذیرفتن هر عمل و اتفاقی را که سبب می شوند، به مثابه واقعتی سیاسی، بر تمامی کسانی که صرفا و از روی خطای دید و توهمی که ریشه در خلای فکری دارد، به دور این چرخه می گردند، تحمیل کنند. چرخه قدرت همواره معطوف به سلطه و اقتدار است و بنیانهایش نیز بر حفظ یک سری امکان های تحمیل سازی استوار است که از خشونت و عریانی منازعه ای قدرت می کاهد و با تلطیف آن، آن را برای همگانی قابل تحمل می سازد. این امر به عاملان منازعه و مدعیان اقتدار اجازه می دهد که از یک سو، برای خشونت ورزی های شخصی خودشان حاشیه ای امن و مطمئن بسازند و از سوی دیگر قلمرو عمومی را طوری کنترل کنند که این خشونت ها در آن رنگ مسایل ملی و همگانی را به خود بگیرند. لذا، در قلمرو قدرت و منازعه ای اقتدار طلبی، همواره خشونت مکانیکی بی وقفه و عریانی وجود دارد و نیز در حوزه عمومی که صورت تلطیف و تصعید یافته ای این خشونت پخش و منتشر گردیده، توهمی که بیان گر چیزی جز ناندیشیدگی و تعلیق تفکر نیست. سیاست قدرت بیشتر از آن که در پی بسط قدرت یا نشر آن به حوزه عمومی باشد، به دنبال این است که با مصروف نگه داشتن افراد در حوزه عمومی، توجیهی برای حقانیت خشونت ورزی خود بیابد. بنابراین، در چنین شرایطی، در کنار این که حوزه های فکری جدی و اساسی نادیده گرفته می شود، سیاست به معنای یک امر واجد تفکر و تأمل نیز وجود ندارد، بلکه تنها چیزی که وجود دارد، این است که در یک گوشه افراد معدودی مصروف جنگ سلطه و اقتدار شخصی اند و در سوی دیگر با سربازگیری گسترده و فریبایی نوعی از حماقت همه شمول به وجود می آید که گویا آن ها نیز در سیاست دست دارند و وظیفه دارند که به قیمت محروم شدن از تمامی بخش های زندگی و ساحت های فکری، رخدادهای روزمره ای سیاسی را تحلیل کنند. نتیجه ای این وضعیت، چیزی نیست جز فقدان کامل اندیشه و پرسش از خود و زندگی و مسایلی که با آن ها باید برخورد کرد، و غلبه یافتن توهمی در جامعه ای سیاست به عنوان یک امر مطلق.

به یک مسأله ای روزمره و بازاری استحاله یافته است. بنابراین، می توان از یک «وضعیت معلق» در دل وضعیت کلی یا حوزه عمومی سخن گفت. بدین لحاظ که با ناپدید شدن حوزه هایی که نیازمند تفکر جدی و سنجش عقلانی اند از زندگی و عملکردهای افراد، خلایبی که ایجاد می شود، گونه ایی از توهمی بر آن پا می گیرد که عوام زدگی و سطحی نگری بازاری در قالب سیاست را برای همگان به عنوان تنها مسأله ای فوری و جدی مطرح می کند. سیاست به مثابه ای یک امر واجد تفکر و اندیشیدن، در افغانستان وجود ندارد. به این معنا که در میان همه ای آنهایی که برای خود رسالت تحلیل و تفسیر از مسایلی که در حوزه دولت داری وجود دارند می تراشند، هیچ گاهی این پرسش به وجود نمی آید که سیاست چیست؟ یعنی، همگانی یا عام شدن سیاست، خود سیاست را به عنوان یک امر فکری و درخور تأمل جدی از ذهن و زبان همگی دور می کند و دیگر کسی دچار این اندیشه نمی شود که از خود بپرسد چرا باید من بخواهم مسأله ای را در عرصه ای دولت داری، تحلیل کنم؟ از این است که معتقدم در این جا شکلی از تعلیق به وجود می آید. پرسش از زمینه و چرایی مواجهه با امری سیاسی، در واقع پرسش از این است که چگونه شد که ما به وضعیتی اجازه ای تسلط یافتن دادیم که این رخدادهای روزمره از پیامدهای آن است؟ به سخن دیگر: چه اتفاقی رخ داده است که درگیری با مسایلی که از آن برای خود سیاست ورزی تعبیر می کنیم، منزلت تنها و فوری ترین مسأله را در زندگی ما داشته باشد؟ اما این پرسش در حالتی که هر فردی خودش را یک موجود سیاسی و ملزم به کنش ورزی سیاسی می داند، وجود ندارد. زیرا نفس این پرسش، ما را می کشاند به اندیشیدن در این مورد که آیا جز این سیاست، چیز دیگری هم در زندگی می تواند وجود داشته باشد؟ جایگاه آن در زندگی ما کجاست؟

وضعیتی که سیاست ورزی به قلمرو عمومی، گسترش می یابد و مواجهه با اتفاقات و مسایلی که در حوزه قدرت نقاب سیاسی به خود می گیرند تبدیل به وظیفه ای همگانی می شود، گونه ایی از هنجار و قاعده را نیز با خود دارد. منظور این است که، هنگامی که سیاست ورزی بازاری تبدیل به وظیفه ای عمومی می شود، موفقیت بیشتر از آن کسانی است که در حوزه عمومی از موقعیت مقتدرتری

اگر سوال شود که وضعیت ما چگونه است؟ بی تردید، ذهن اکثریت مخاطبان کشیده می شود به سوی مسایل سیاسی و غالبا، شروع می کنند به تحلیل و تفسیر «وضعیت». فرقی نمی کند، از روزنامه نگار تا یک فرد عادی که روی بازار دست فروشی دارد یا یک مأمور پایین رتبه ای دولتی و... ممکن است در نوعیت پاسخ ها، ما شاهد تفاوت هایی باشیم که محیط کار و زندگی افراد در آن نقش دارد. حقیقت انکارناپذیر اما این است که چیزی همه شمول به نام «سیاست» بر فکر و سخن تمامی کسانی که مخاطب این پرسش قرار می گیرند، سایه انداخته است. این امر به خودی خود چیزی را بیان نمی کند. به این معنا که آن چیزی که به مثابه ای مفاکی ترس آور در دل وضعیت همگانی دهان باز کرده و باعث خلق حالت همه-سیاسی بودن شده است، در این بیان روشن نمی شود. حتی می توان نوعی از حقانیت ظاهری را نیز در آن یافت. به عبارت دیگر: در حوزه عمومی، رویه ای تک-ساحتی بی به وجود آمده که سیاست را به عنوان امری عمومی و همگانی معرفی می کند و به امر خاص و جزئی منازعه ای قدرت، طوری چهره ایی از کلیت می بخشد که امکان این که این کلیت بر ساخته شده ساحت های دیگر را در خود شامل شود وجود ندارد و ضرورت و موضوعیت آن ساحت ها نیز از دید و نگاه ما ناپدید شده می شود.

بسط و گسترش یافتن سیاست به قلمرو همگانی، ضمن این که آستانه ای سیاست ورزی را تا سطح عام گرایسی و سطحی نگری مبتذل روزمره پایین می آورد، با امحای قلمروهای اجتنابناپذیر غیرسیاسی، باعث خلق این توهم نیز در افراد می شود که همه خودشان را تحلیل گران سیاسی و مسئولانی بیندارند که گویا مواجهه با امر سیاسی تنها رسالت آن هاست. با این حال، تناقضی که در این موقعیت جان می گیرد، هراسناک تر از آن است که مفهوم سیاست ورزی همگانی بتواند آن را به تمامی در خود حل کند: این که عرصه های فکری موضوعیت شان را از دست می دهند و نوعی سیاست ورزی همگانی بر زندگی غلبه می کند، معنایش این نیست که این «همگان»، معنای امر سیاسی و فوریت آن را درک کرده اند و یا سیاست به عنوان یک امر، جایگاه جدی و مسأله دار بودنش را در میان همه یافته است؛ بلکه همه-سیاسی بودن و عام شدگی سیاست، معنایش این است که سیاست در نزد افراد

## هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا

سردبیر: خلیل پژواک

دبیر خبر: عصمت الله سروش

گزارشگر: الیاس نواندیش

ویراستار: عمران راتب

صفحه آرا: هادی دریابی

hussainjoya2014@gmail.com

بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۶۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲

چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.





## استقرار ۳۰۰ تنگدار دریایی امریکادر خاک ناروی

۱۹۶۹ میلادی و پیش از عضویت در پیمان ناتو، به روسیه گفته بود که مرزهای خود را بر روی نیروهای خارجی باز نخواهد کرد.

به نوشته رویترز، یک سخن‌گوی نظامی ناروی اشاره کرد که تنگداران دریایی امریکا در پایگاهی در فاصله ۱۵۰۰ کیلومتری مرز روسیه مستقر خواهند شد و در آن‌جا دوره‌ی آموزشی جنگ زمستانی را خواهند گذراند. وی افزود: در یک ماه نخست، آن‌ها آموزش‌های ابتدایی را دربار‌ه‌ی اسکی و بقا در محیط قطبی فرا خواهند گرفت. این مقام نظامی ناروی تأکید کرده که این نیروها «کاری با روسیه نخواهند داشت»

بر اساس این گزارش، تنگداران دریایی امریکا در ماه مارچ، در تمرین‌های نظامی مشترک با نیروهای ناروی و بریتانیا شرکت خواهند کرد.

در این میان، مسکو از استقرار نیروهای امریکایی در لهستان ابراز نگرانی کرده و گفته است که حضور آن‌ها تهدیدی برای روسیه به شمار می‌آید.

به نوشته رویترز، ۳۰۰ تنگدار دریایی امریکا از پایگاهی در ایالت کارولینای شمالی وارد فرودگاه تروندهایم ناروی شدند. تروندهایم سومین شهر بزرگ ناروی محسوب می‌شود. مأموریت این گروه از تنگداران دریایی امریکا در ناروی پس از شش ماه پایان می‌یابد، اما گروه دیگری از این نیروها به مدت شش ماه دیگر در این کشور حضور خواهند داشت.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، ناروی در ماه اکتبر سال گذشته میلادی اعلام کرده بود که درخواست امریکا برای استقرار نیروهای آن کشور در خاک خود را پذیرفته است.

این خبرگزاری اشاره کرد که ناروی در سال

اطلاعات روز: حدود ۳۰۰ تن از تنگداران دریایی امریکا روز دوشنبه، ۲۷ جدی، برای مأموریتی شش ماهه در کشور ناروی مستقر شدند.

این نخستین بار پس از جنگ دوم جهانی است که نیروهای خارجی اجازه یافته‌اند تا در خاک کشور ناروی استقرار یابند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، مقام‌ها هر گونه ارتباط بین این موضوع و نگرانی‌های ناتو از سیاست‌ها و تحرکات نظامی روسیه را رد کرده‌اند، اما استقرار این تنگداران هم‌زمان با اعزام هزاران نیروی نظامی امریکایی به لهستان برای تقویت متحدان این کشور در شرق اروپا صورت گرفته است.

پس از آن که روسیه شبه‌جزیره کریمه را به خود منضم کرد، کشورهای شرق اروپا از سیاست‌های مسکو ابراز نگرانی کرده بودند.

## روسیه ترامپ را به نشست صلح سوریه در آستانه دعوت کرد

در سال گذشته روسیه به‌عنوان مذاکره‌کننده‌ی اصلی بین‌المللی در جنگ داخلی سوریه جا باز کرد و چندین بار میان شورشیان و حکومت بشار اسد برای استقرار آتش بس میانجیگری نمود. با وجود این، جامعه بین‌المللی مسکو را به ارتکاب جرایم جنگی در جریان حملات هوایی بر شهر حلب متهم کرده است.

در جریان شش سال جنگ داخلی سوریه، بیش از ۳۰۰ هزار تن کشته و نزدیک به ۱۱ میلیون دیگر آواره شده‌اند.

لاوروف اشاره کرد که هرگونه استقرار سربازان ناتو در کشورهای بالکان یک ایده‌ی بد بوده و روسیه آن را اقدامی تهاجمی می‌نگرد. این در حالی است که نیروهای امریکایی روز شنبه این هفته به پولند رسیدند و به این ترتیب استقرار نخستین واحدهای ناتو در مناطق شرقی اروپا شروع گردید.

جبهه‌ی واحدی علیه جرایم سازمان‌یافته، ترافیک مواد مخدر و خشونت‌های تروریستی را برجسته کرد. او از اظهارات دونالد ترامپ مبنی بر تمرکز روی مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی استقبال کرد.

### نشست سوریه در آستانه

لاوروف از ترامپ دعوت کرد که در مذاکرات صلح سوریه در آستانه، پایتخت قزاقستان اشتراک کند. این نشست به تاریخ ۲۳ جنوری توسط روسیه و ترکیه برنامه‌ریزی شده‌است که از جوانب درگیر در سوریه حمایت می‌کنند.

لاوروف گفت این کنفرانس که رهبران شورشیان مخالف بشار اسد نیز در آن شرکت می‌کنند، به هدف «تحکیم» آتش‌بس کنونی برگزار می‌شود. کنار گذاشتن ایالات متحده‌ی امریکا در این گفت‌وگوها نوعی تحقیر نگریسته شده است.

اطلاعات روز: سرگئی لاوروف، وزیر خارجه‌ی روسیه در یک کنفرانس خبری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب امریکا را به شرکت در نشست صلح سوریه در آستانه دعوت کرد. آقای لاوروف در عین‌زمان مدعی شد که سازمان استخبارات ایالات متحده در تلاش استخدام دیپلمات‌های ارشد روسی بوده است.

به نقل از دوپچه وله، سرگئی لاوروف روز سه‌شنبه در این کنفرانس خبری همچنین دیپلمات‌های امریکایی را به تغییر جامه برای فعالیت‌های جاسوسی در روسیه متهم کرد. او در این کنفرانس خبری حوادث سال گذشته را به بررسی گرفت که در جریان آن مداخله نظامی روسیه در سوریه و تحریم‌های ایالات متحده بر این کشور موضوعات حاد را تشکیل می‌دادند. لاوروف مشکل «سیستماتیک» تروریسم بین‌المللی به‌شمار ناکامی جامعه‌ی بین‌المللی در تشکیل

## سه سال جست‌وجو برای یافتن بقایای هواپیمای مالزیایی بدون نتیجه پایان یافت

هواپیمای مالزیایی پرواز ام اچ ۳۷۰ روز ۸ مارچ ۲۰۱۴ با ۲۳۹ سرنشین کمتر از یک ساعت پس از پرواز از صفحه رادار محو شد. این هواپیمای کوالالامپور عازم پکن بود. منطقه‌ی احتمالی سقوط این هواپیمای ۱۲۰ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد.

مقامات مرکز هماهنگی استرالیا روز سه‌شنبه ۱۷ جنوری اعلام کردند این جست‌وجوها بدون نتیجه بود.

آن‌ها در بیانیه‌ی گفتند: «امروز آخرین قایتق تحقیقاتی منطقه‌ی جست‌وجو در زیر آب را ترک کرد»

اطلاعات روز: بوئینگ ۷۷۷ شرکت هواپیمایی مالزی نزدیک به سه سال پیش در اقیانوس هند ناپدید شد. از آن زمان جست‌وجو برای یافتن آثاری از این هواپیمای ادامه داشت تا این‌که اعلام شد که این جست‌وجوها پایان گرفت.

## گزارش وزارت خارجه‌ی ایران:

### انتخاب ترامپ باعث نگرانی درباره‌ی آینده‌ی برجام شده است

دستور کار کمیسیون مشترک قرار گرفته است. در پایان این نشست هیأت مذاکره‌کننده‌ی ایرانی بیانیه‌ی منتشر کرد و در آن گفت: «هیأت امریکایی با تأکید مجدد بر پایبندی کامل این کشور به برجام گفته است نفس تصویب این قانون (تحریم‌های امریکا) در کنگره‌ی امریکا، مشکلی برای تعهدات برجامی این کشور ایجاد نمی‌کند.»

وزارت خارجه‌ی ایران، چهارمین گزارش سه ماهه‌ی خود درباره‌ی توافق هسته‌ی این کشور با قدرت‌های بزرگ جهانی را در حالی منتشر کرده که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا سه روز دیگر (بیستم جنوری) به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید امریکا راهی کاخ سفید می‌شود.

دونالد ترامپ در زمان مبارزات انتخاباتی خود توافق هسته‌ی ایران را یکی از «بدترین» توافق‌هایی که در تاریخ امضا شده نامیده است. او اوایل مبارزات انتخاباتی‌اش گفت اگر رئیس‌جمهور شود این توافق را ملغی خواهد کرد و با چند برابر کردن تحریم‌ها، برای توافقی مذاکره خواهد کرد که مثل اولی «مایه‌ی خنده» نباشد.

محمد جواد ظریف، وزیر خارجه‌ی ایران در پاسخ به این اظهارات گفته بود که برجام یک تفاهم بین‌المللی است که ضمیمه‌ی قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل شده است.

وزارت خارجه‌ی ایران در گزارش خود گفته است ایران در این مرحله، با پایبندی به تعهدات بین‌المللی خود، از قضاوت زود هنگام در مورد رویکرد رئیس‌جمهور جدید امریکا در قبال برجام خودداری می‌کند و در عین حال، برای تمامی احتمالات «آمادگی کامل» دارد.

**انتقاد ایران از تمدید قانون تحریم‌های امریکا علیه ایران**

این اولین بار نیست که ایران از تمدید قانون تحریم‌های امریکا علیه ایران موسوم به ایسا، که در گزارش وزارت خارجه هم به آن اشاره شده انتقاد می‌کند.

قانون تحریم‌های ایران که در سال ۱۹۹۶ میلادی تصویب شده، سرمایه‌گذاری بالاتر از ۲۰ میلیون دلار به‌ویژه در صنایع نفت و گاز ایران را منع می‌کند. هفته‌ی پیش نشست کمیسیون مشترک برجام با حضور نمایندگان ایران و گروه ۵+۱ برگزار شد که این تحریم‌ها یکی از موضوعات اصلی مورد بحث بود.

این نشست به درخواست رسمی محمد جواد ظریف، وزیر خارجه‌ی ایران برای رسیدگی به این موضوع صورت گرفته بود.

در این نشست عباس عراقچی، معاون وزیر خارجه‌ی ایران که سرپرستی هیأت ایرانی را بر عهده داشت گفته بود: «از دید ما تمدید قانون ایسا نقض تعهدات برجامی امریکاست که در

اطلاعات روز: وزارت امور خارجه‌ی ایران، چهارمین گزارش سه‌ماهه‌ی خود درباره‌ی توافق جامع هسته‌ی ایران با قدرت‌های جهان را به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس این کشور ارائه کرده است.

بقل از بی‌بی‌سی، این گزارش ضمن برشمردن دستاوردهای ایران پس از رفع تحریم‌های بین‌المللی به خصوص در حوزه نفت، به «موانع و چالش‌های» موجود هم پرداخته است. وزارت خارجه‌ی ایران قانون تحریم‌های امریکا علیه ایران موسوم به ایسا، انتخاب دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید امریکا و ایجاد فضای ایران هراسی را از موانع و چالش‌ها در دوران پس از توافق هسته‌ی عنوان کرده است. این گزارش می‌گوید شعارهای تبلیغاتی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب امریکا علیه برجام در دوره‌ی مبارزات انتخاباتی، به‌لحاظ روانی بر حرکت برجام تأثیر گذاشته و «موجب بروز نوعی بلا تکلیفی و نگرانی در مورد آینده برجام در میان تعدادی از شرکت‌های خارجی متمایل به همکاری اقتصادی با ایران شده است.»

وزارت امور خارجه‌ی ایران می‌گوید بعضی از کشورها «برای برداشتن گام‌های بیشتر به سمت مراوده اقتصادی با ایران، عملاً منتظر اعلام رسمی راهبرد دولت جدید امریکا در خصوص برجام هستند.»

بگو مگو



Kawa Jobran

دو تفسیر از یک اصطلاح

از نتایج سیاسی کردن مباحث فرهنگی یکی تقلیل‌گرایی سرسام‌آوری است که باب هر گونه گفت‌وگو را می‌بندد و جای آن عصبانیت و فحاشی را می‌نشانند. در چنین فضایی دعوا بر سر تاریخ و فرهنگ جز اتهام‌بندی و افتراق و بدگمانی حاصلی ندارد. بنابراین، آن‌چه این روزها اصطلاحاً خراسان‌گرایی و خراسان‌گراییان خوانده می‌شود هم‌چون توهینی برای مطالبات فرهنگی و هویتی به کار بسته می‌شود؛ یک معنایش برآمده از چنین فضایی است. بیشتر توهیم، نوعی ضدبحث و انکارگری تاریخ فرهنگی است تا جریانی به راستی سیاسی حقوقی. پیش از عنوان کردن آن به عنوان یک خواست سیاسی باید دید که در ذیل خراسان‌گرایی چه چیزی نهفته است که هم‌ارز پشتونستان‌خواهی تفسیر می‌شود، مگر خراسان‌گراییان مطالبه‌ی ارضی تا پیشاور و اصفهان، بخارا و سمرقند دارند، مگر خراسان‌گراییان ادعای تفسیر نام کشور را دارند، مگر خراسان‌گراییان هویت‌سازی و تاریخ‌نگاری سیاسی‌قومی را پیشه کرده‌اند؟

پاسخ همه‌ی این پرسش‌ها گنگ است و هیچ برنامه و سندی از آن، هم‌چون سقاولی دوم که ما را به دال‌های اصلی این دعوا برساند در دست نیست. سر نخ را اما در مناسبات معمول سیاسی، در کنش روزمره دولت و در پالیسی‌سازی‌های فرهنگی و سیاسی به سادگی می‌توان دریافت. امتناع از درج هویت‌های قومی در شناسنامه‌های الکترونیکی، دست‌کاری در انتخابات برای حفظ کلان‌روایت موجود، تقسیم درجه‌بندی‌شده قومی قدرت، توزیع ناعادلانه منابع ثروت، توسعه نامتوازن و... اند که توهیم خراسان‌گرایی را خلق می‌کنند. خراسان‌گرایی یک برساخته سیاسی است برای حفظ مناسبات سیاسی موجود. چماقی است برای مهار مطالبات قدرت سیاسی و اقتصادی قومی. تهدیدی است برای کاهش خواست‌های حقوقی شهروندان. در این معنا، خراسان‌گرایی مطلق توهیم است، واقعیت ندارد.

از جهتی دیگر اما این خراسان‌خواهی یک گفتمان فرهنگی تاریخی است. گفتمانی که نسبت فرهنگی و تاریخی امروز را با گذشته‌های دور و دورتر جست‌وجو می‌کند. این نسبت دست کم برای هویت‌بخشی و پیوندیابی امروز با گذشته، بیشتر فرهنگی - ادبی است. فقط تلقی سیاسی می‌تواند برساخت معنای اول را بر آن بچسباند. زمانی؛ به جای معرفتی که از رودکی و فردوسی و سعدی و مولوی و حافظ و خیام و رازی و امثالهم به جامانده به تاراج‌گری‌های سلاطین خراسان اشاره می‌کند. گاهی هم به جای مناسبات فرهنگی و هم‌زیستی‌هایی که میان اقوام گوناگون خراسان برقرار بود، جغرافیای سیاسی آن را پیش می‌کشد.

وقتی مغز کودکان را در مکتب با نام‌های تاریخی کشور هم‌چون آریانا و خراسان می‌آلایند، وقتی از تاریخ پنج‌هزارساله و جغرافیای اوستا نام می‌برند و رگ گردن می‌پندارند؛ همین نسبت است و الا بند ناف تاریخ سیاسی افغانستان به دست عبدالرحمان خان بریده شده است. تاریخ و فرهنگ را با مشق‌های سیاسی روزانه نمی‌توان تسجیل کرد. این سبج با اوستا و شاهنامه و مثنوی و... به دست می‌آید که سده‌ها منابع معرفتی ساکنان منطقه ما بوده‌اند. قومی‌خواندن این مجموعه منابع معرفتی، نشانه بی‌سوادی و بی‌اطلاعی است. خراسان سرزمین قوم نیست. تاریخ قوم نیست. سرزمین تنوع و تاریخ اقوام است. سرزمین چندرنگی و چندگانه‌گی است. ترک و تاجیک و هزاره و پشتون و بلوچ و... را یکجا دارد. تنوع قومی امروز ما پیوند روشنی می‌تواند با آن برقرار کند. هم‌سطح آن، این نسبت با همسایه‌گان و هم‌زبانان نیز به میان می‌آید که هر کدام به قدر کافی پیوند خود را با آن گذشته مشترک پیدا کرده‌اند. فهرست کردن هر گونه تلاش برای برقراری این نسبت تاریخی، ذیل ناسیونالیسم، فهم ناقص ما را هم از ناسیونالیسم نشان می‌دهد و هم از تاریخ. بیشتر اکت فرهیخته‌گی و درک نادرست از مفاهیم است.

از سوی دیگر تأمین امنیت، رفع گرسنه‌گی و بی‌سوادی، تأمین رفاه و پیشرفت از وظایف مدیران سیاسی و گرداننده‌گان دولت است. نیازمندی‌ها و فقر موجود را با کنار گذاشتن نسبت‌های فرهنگی و خراسان‌نگفتن نمی‌شود رفع کرد. منازعات قومی کنونی پیامد سیر فکری خیام و مولوی نیست. علت ناامنی حاضر را نیز به گردن تاریخ شعر فارسی نمی‌توان انداخت. چنین جمع‌بندی‌هایی ابلهانه و خنده‌دار است.

جمع‌بندی‌ها جایی اوج می‌گیرد که خلط این دو معنا از یک اصطلاح، در مناسبات‌ها و رویدادهای اجتماعی سیاسی بیش از پیش می‌شود. هر گونه مطالبه حقوقی شهروندان، دستاویزی برای چانه‌زنی سیاسی رهبران قومی قرار می‌گیرد. هر گونه خواست فرهنگی گروه‌ها، تجزیه‌طلبی پنداشته می‌شود. هر گونه مطالبه اقتصادی مردم، لجاجت قومی عنوان می‌گردد. بنابراین، زمینه التقاط این دو تفسیر به آسانی میسر است و طبیعتاً جماعت بی‌حوصله نیز آماده تا معنای یکی را به جای دیگر اشتباه بگیرند و حکم نهایی را صادر کنند.



## روبن: پیشنهاد چینی‌ها را به خاطر بایرن رد کردم

آرین روبن، مهاجم بایرن مونیخ مدعی شد که پیشنهاد جذاب یک تیم چینی را رد کرده است تا در بایرن مونیخ بماند.

مهاجم هلندی قراردادش را یک سال دیگر با باشگاه بایرن تمدید کرد و بدین ترتیب تا سال ۲۰۱۸ در بایرن مونیخ ماندگار خواهد شد. بازیکنان بزرگی مثل اسکار، ته وز و ویتسل در جنوری راهی لیگ چین شده‌اند ولی به نظر می‌رسد تیم‌های این لیگ در جذب روبن ناکام بوده‌اند.

ستاره سابق رئال گفت: «من در بایرن روزهای خوبی را سپری می‌کنم و در یکی از بهترین باشگاه‌های جهان بازی می‌کنم.

## کوتینو:

## لیورپول اهداف بزرگی در سر دارد

فیلیپ کوتینو، ستاره لیورپول مدعی شد که تیمش باید برای اهداف بزرگ در این فصل تلاش کند.

شاگردان کلوپ در ۴ بازی اخیرشان به پیروزی نرسیده‌اند و حال خود را برای دیدار جام حذفی مقابل پلایموث آماده می‌کنند.

او که اخیرا از مصدومیت مچ پا ریکاوری کرده، حال به نیمکت بازگشته و به ترکیب اصلی نزدیک شده است.

ستاره برزیلی گفت: «باید به تلاش ادامه دهیم زیرا فصلی طولانی

## مارادونا: عشق من به ناپولی

## همیشهگی است

دیگو مارادونا، اسطوره سابق فوتبال ارجنتاین و باشگاه ناپولی تاکید کرد که آماده فعالیت دوباره در تیم سابق خود است.

مارادونا گفت: «بعد از ۳۰ سال، هنوز عشق و علاقه من به ناپولی دست نخورده باقی مانده است.

بارها به دوستانم گفته‌ام که از این موضوع که یک پسر بچه که بازی‌های من را ندیده، برای عکس گرفتن با من گریه می‌کند بسیار من را شگفت‌زده می‌کند.

## ونگر: در آرسنال جایی برای کاستا نیست

دیگو کاستا که این روزها زمزمه‌های جدایی او از چلسی به گوش می‌رسد، به گزینه مورد نظر چند باشگاه بزرگ تبدیل شده است.

کاستا که بهترین گولزن چلسی در این فصل بوده، با کونته به مشکل برخورد کرده و این احتمال وجود دارد که طی روزهای آینده این باشگاه را ترک کند.

شایعاتی مبنی بر احتمال رفتن او به یک تیم چینی نیز شنیده می‌شود.

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال در پاسخ به سوالی در مورد علاقه برای جذب کاستا گفت: «ترجیح می‌دهم بازیکنی را در اختیار داشته باشم که همیشه در خدمت تیم باشد، نه کسی که دوست ندارد بازی کند. من به اندازه کافی مشکل دارم، دوست ندارم مشکل

# اطلاع‌رسانی

چهارشنبه | ۲۹ جدی، ۱۳۹۵

سال ششم | شماره ۱۲۲۹

## فان خال:قهرمانی با یونایتد بزرگترین دستاورد دم بود

لویی‌س فان خال، سرمربی هلندی که دیروز اعلام بازنشستگی کرد مدعی شد که بردن جام حذفی در منچستر یونایتد با توجه به فشار «غیرانسانی» که در آن دوره روی او بود، بزرگترین دستاوردش بوده است .

سرمربی هلندی دو سال هدایت منچستر یونایتد را برعهده داشت و در آن دوره موفق شد قهرمانی جام حذفی را به دست آورد. با این حال او در این دو سال به شدت تحت فشار حملات روزنامه‌ها و رسانه‌های انگلیس بود و به چهره منفور آن‌ها تبدیل شده بود. حال فان خال با توجه به فشاری که از سوی این رسانه‌ها به او وارد شده، قهرمانی جام حذفی انگلیس را بزرگترین دستاوردش می‌داند.

او گفت: «بردن جام حذفی با منچستر یونایتد در انگلیس بزرگترین دستاورد من بود. ۶ ماه آخر پای یک جوبه دار ایستاده بودم و طناب دار دور گردنم بود. رسانه‌های انگلیسی مسئول این موضوع بودند. فشاری که روی من بود غیرانسانی بود و من باید پای فلسفه‌ام می‌ماندم و به بازیکنان انگیزه می‌دادم.

وقتی در چنین فشاری می‌توانید قهرمان جام حذفی شوید باید به آن افتخار کنید. همین‌طور به این خاطر که در فینال ۱۰ نفره شده بودیم. در نهایت این اتفاقات باعث شد تا آن جام برای من فوق‌العاده شود.»

## فاش شدن صحبت در گوشی

## راموس و سامپائولی

سرخیو راموس، کاپیتان رئال مادرید که در یک هفته گذشته دو شب سخت را با هواداران سویا در سانچس پیزخوان پشت سر گذاشت، پیش از شروع دیدار یک‌شنبه‌شب سویا و رئال با خورخه سامپائولی، مربی سویا دیدار گرمی داشت. راموس پنج‌شنبه‌شب و در دیدار برگشت سویا و رئال در یک هشتم‌نهایی کوپا دل ری، بارها مورد توهین افراطی‌های سویا قرار گرفت و این اتفاق روز یک‌شنبه نیز تکرار شد؛ با این تفاوت که او بار دوم از سوی تمام هواداران حاضر در ورزشگاه سانچس پیزخوان هو شو شد.

راموس پیش از شروع دیدار یک‌شنبه‌شب، بر خلاف رسم معمول به سراغ مربی حریف رفت و به صحبت درگوشی با وی پرداخت. برخورد گرم این دو مورد توجه رسانه‌ها نیز قرار گرفت. طبق ادعای مارکا، راموس به سامپائولی گفته است: «زننده باد مردان شجاع؛ تو بی‌همتا هستی.» لازم به ذکر است که سامپائولی در نشست خبری پس از بازی برگشت سویا-رئال در کوپا دل ری، به دفاع از راموس پرداخته و رفتار هواداران سویا را زیر سوال برده بود. راموس نیز بدین طریق از سامپائولی تقدیر کرد.

## سیتی آماده پیشنهاد ۱۰۰

## میلیونی برای مسی

روزنامه سان مدعی شد که باشگاه منچستر سیتی قصد دارد برای جذب لیونل مسی، ستاره بارسلونا، ۱۰۰ میلیون پوند هزینه کند.

گواردیولا قصد دارد با حضور مسی در تیمش، خط حمله‌اش را تقویت کرده تا بتواند تیمش را به اوج بازگرداند.

۱۸ ماه از قرارداد مسی با بارسلونا باقی مانده و انتظار می‌رود که او به زودی قراردادش را تمدید کند، هر چند که شایعاتی از نارضایتی مسی از باشگاه شنیده می‌شود. گواردیولا می‌خواهد از روابط خوب خودش با مسی استفاده کرده و با پیشنهادی ۱۰۰ میلیونی او را راهی منچستر کند.

زیدان پس از اولین شکست فصل جاری که در واقع اولین باخت رئال پس از ۴۰ بازی بود، به تهییج و روحیه دادن بازیکنان خود پرداخت.

نوار شکست‌ناپذیری‌های رئال مادرید پس از بیش از ۲۸۰ روز پاره شد و رئال در زمین سویا، در حالی که تا دقیقه ۸۵ با یک گول پیش بود، نتیجه را ۲-۱ واگذار کرد. شکستی که البته برای کهکشانی‌ها گران تمام شد؛ چرا که سویا تیم دوم جدول بود و حالا فاصله دو تیم به یک امتیاز کاهش یافته؛ هرچند که رئال یک بازی عقب افتاده در پیش دارد. بارسلونا نیز حالا خود را در دو امتیازی رئال می‌بیند.

شکست برابر سویا همچنین از آن جهت که تا دقیقه ۸۵ همه چیز به سود کهکشانی‌ها بود و در عرض ۷ دقیقه این تیم دو گول دریافت کرد، تا حدی سنگین بود و حتی زیزو نیز در نشست خبری پس از بازی به این مساله اعتراف کرد.

## زیدان پس از باخت به سویا به بازیکنانش چه گفت؟

این شکست باعث شد تا دیگر مدعیان قهرمانی حالا امیدوارانه‌تر به ادامه لالیگا نگاه کنند. برخی حتی معتقدند که همان بلای دو سال پیش در انتظار رئال است و این تیم دچار افت خواهد شد ولی زیدان اعتنایی به این انتقادات نمی‌کند.

طبق گزارش مارکا، زیدان پیش از شروع تمرین روز دوشنبه، بازیکنان را گرد خود جمع کرده و به آن‌ها گفته است: «شکست هرگز اتفاق خوبی نیست؛ ولی من در این بازی که با ناکامی ما همراه بود، بیش از نکات منفی، نکات مثبت دیده‌ام. به شدت اعتقاد دارم که این شکست ما را در ادامه راه قدرتمندتر خواهد کرد و تاثیر منفی روی ما نخواهد گذاشت. هدف ما قهرمانی در همه جام‌هاست و از شما می‌خواهم با فراموش کردن این شکست، به بازی با سلتا (کوپا دل ری) فکر کنید. اطمینان دارم که از همین بازی می‌توانیم بار دیگر روند پیروزی‌های‌مان را از سر بگیریم.»

## راشفور: حضور زلاتان

## برای ما بسیار با ارزش است

راشفور مدعی شد حضور زلاتان در این تیم کمک زیادی به او و دیگر بازیکنان جوان کرده است. او گفت: «برای بازیکنان جوان، دیدن کاراکتر زلاتان و حضور او در تمرینات هر روز تیم خیلی با ارزش است. بعضی بازیکنان نمی‌توانند این کاراکتر را با خودشان به تیم جدید بیاورند. باید سعی کنیم از او یاد بگیریم و از توانایی‌هایش استفاده کنیم.»

## راکیتیچ: انریکه بگوید،

## خودم را از پل پرت می‌کنم

منچستر سیتی نیز قرار دارد. ستاره کروات پارسا که تابستان ۲۰۱۴ از سویا به جمع آبی‌اناری‌ها پیوست، در مصاحبه با فرانس فوتبال و در مورد شایعات اختلافش با انریکه گفت: «اطمینان کامل به سرمربی دارم. اگر انریکه بخواهد، بدون این‌که شک کنم خود را از پل به پایین پرت می‌کنم.»

راکیتیچ در این مصاحبه به تمجید از ژاوی هرناندز پرداخته و عنوان کرده است که قصد دارد تحصیلات نیمه تمامش در رشته معماری را ادامه دهد.

## پوگبا: تا پایان فصل مبارزه خواهیم کرد

داریم که محکم و قوی باشیم. من آماده جنگیدن و مبارزه برای بازی‌های بعدی هستم. علاقمندم از هوادارانی که همیشه در اینجا من را حمایت می‌کنند تشکر کنم. حداقل نکته مثبت این است که ما در برابر لیورپول بازنده نشدیم و مبارزه ما هرگز متوقف نخواهد شد.»

بعد از ۹ پیروزی متوالی، روند نتیجه‌گیری شیاطین سرخ بالاخره در برابر مرسی سایدی‌ها متوقف شد و حالا این تیم ۱۲ امتیاز نسبت به چلسی صدرنشین کمتر دارد.

پل پوگبا، ستاره فرانسوی من یونایتد ضمن تشکر از حمایت هواداران، تاکید کرد که برای نبرد در راستای موفقیت تیمش آماده است.

پوگبا در جریان جدال منچستر یونایتد و لیورپول، در نیمه اول اشتباه بچه‌گانه‌یی مرتکب شد و یک پنالتی را تقدیم مرسی سایدی‌ها کرد که البته زلاتان در اواخر بازی آن را جبران کرد و بازی در نهایت با نتیجه تساوی به پایان رسید.

پوگبا در صفحه شخصی خود نوشت: «در حال حاضر ما نیاز



## «دست‌نوشته‌ی وینچ»، مرموزترین کتاب جهان

سیصدسال است پژوهشگران برای کشف معنای کتابی تلاش می‌کنند که همه چیز در آن فهم‌ناپذیر است

■ مایکل لاپوینت ■ ترجمه: علی امیری ■ مرجع: Paris Review

نوبند، بلکه مولد اضطراب بودند، چالش‌هایی بودند که می‌بایست با روش علمی بر آن‌ها فایز می‌آمدیم. این نظریه رازورمزهای دل‌پذیر هنر را در معرض خطر قرار داد. حداقل از عصر روشنگری، نویسندگان بسیاری بوده‌اند که ضرورت تجهیز آثارشان در برابر نگاه خیره و راززادای عقل را احساس کرده‌اند. نویسندگان رماتیستیک آلمانی، از جمله فردریش شلگل، استدلال کرده‌اند که هنر باید به نمایشی کردن ناتوانی بشر در رسیدن به فهم کامل بپردازد. در همین حال ژان پل و فردریش شیلر مغرورانه آثار خود را نمادهای رازآلودی می‌دیدند که هرگز کشف رمز نخواهند شد.

تریستان تزارا بنیان‌گذار مکتب دادا، که تاج فهم‌ناپذیری بر سر می‌گذاشت، گفته است: «اثری که فهم‌پذیر باشد، محصول یک روزنامه‌نگار است.» تزارا می‌اندیشید که اگر بتوان دربارهی اثری با وضوح سخن گفت نشانه‌ی فقر هنری آن اثر است: «وقتی روزنامه‌ها نویسنده یا هنرمندی را می‌ستانند، اثباتی بر فهم‌پذیری اثر است: آستر پاره‌ی کتی برای استفاده‌ی عموم.» طبق این فرمول، پیچیدگی و ابهام شرط لازم هنر است. بازتاب این تئوری به بیان تئودور آدورنو چنین بود: «فهم‌ناپذیری به‌مثابه‌ی سرشت هنر ایستادگی می‌کند، و فقط همین است که فلسفه‌ی هنر را از آسیب رساندن به هنر حفظ می‌کند.»

دست‌نوشته‌ی وینچ، که به‌وضوح در برابر منطق نفوذناپذیر است، چکیده‌ی سرشت هنر است. البته به‌دلیل فرم کتابی‌اش نمی‌تواند به‌سادگی اثری در هنرهای تجسمی در نظر گرفته شود، هرچند من این‌گونه به آن فکر کرده‌ام. پنداشته‌ام که صفحات لایه‌لایه بر یکدیگر قرار گرفته‌اند تا، همچون اثری از رونکو، تأثیری بی‌نهایت گسترش‌یافته و ژرف‌بخش ایجاد کنند. در زمانه‌ی که حتی رازآمیزترین هنرمند نیز سوژه‌ی تاریخ و زندگی‌نامه‌نویسی می‌شود، رویارویی با کتابی که بیرون از [حوزه‌ی] تمامی رشته‌ها شناور است شگفت‌انگیز است. دست‌نوشته‌ی وینچ، درحالی‌که از هر مقوله‌ی بی‌بیرون می‌خزد، هاله‌ی زیبایی‌شناختی از خود می‌افشاند.

بسیاری از منتقدان بر این باورند که این دست‌نوشته واقعاً نوعی حقه است. احتمالاً این قانع‌کننده‌ترین نظریه است، زیرا همه‌چیز در این کتاب به‌راحتی ذیل چتر «مهم‌محض» قرار می‌گیرد. درحالی‌که اروپای قرون‌وسطا را اغلب دارای فرهنگی صلب و محدود تصور می‌کنیم، دست‌نوشته‌ی وینچ برآمده از تخیلی آزاد شده است. شعفی اصیل در آن هست که از طریق جزئیات منتقل می‌شود، گویی راهبی نقاشی‌هایی چلیف در حاشیه‌ی کتابی مدرسی کشیده است. کاملاً محتمل است که این دست‌نوشته به‌عنوان هجو مبسوط دانش قرون‌وسطایی نگاشته شده باشد و این تصور که ما هنوز به دام این حقه می‌افتیم مفرح است.

منبع: ترجمان

لبخوانی «کلمات» آن می‌بایم، مثل وقتی که ترانه‌ای را همراهی می‌کنیم که در واقع آن را بلد نیستیم.

\*\*\*

در مقالات همراه با نسخه‌ی دانشگاه ییل، کارشناسان می‌کوشند به این معماها رسوخ کنند. همه‌ی آن‌ها حدس‌هایی درباره‌ی منشأ کتاب می‌زنند، برای مثال: دست‌نوشته احتمالاً در جنوب آلمان یا شمال ایتالیا تولید شده است یا این‌که ورق‌های پوستی کتاب احتمالاً از پوست چهارده یا پانزده گوساله تهیه شده است. ادعا می‌کنند که گاهی متون کیمیاگری از تصاویر حمام به‌عنوان تمثیلی از محلول‌های شیمیایی استفاده می‌کرده‌اند، هرچند حمام‌های وینچ منحصر به‌فردند. درباره‌ی مالکیت کتاب دانش بیشتری وجود دارد، هرچند همین نیز تاریخی چهل‌تکه است. دست‌نوشته برای مدتی در اختیار داروساز دربار رودولف دوم امپراتور مقدس روم بود و پس‌از آن به چنگ کیمیاگر قرن هفده جورجیوس بارشیوس افتاد. ۲۵۰ سال بعد، زمانی که کتاب‌فروشی به‌نام ویلفرید وینچ در سال ۱۹۰۳ این دفترنامه‌ی عجیب را از محفلی یسوعی خرید، دوباره پدیدار شد.

اما خواندن مقالات همانا و درک محدودیت‌های کارشناسی در برابر این دست‌نوشته همان. بارشیوس خطاب به یکی از متخصصان هیروگلیف عصر رنسانس نوشت: «در کتابخانه‌ام معمای ابوالهول مشخصی هست که بیهوده فضا را اشغال می‌کند.» او این چنین موجب آغاز سه قرن تلاش برای رمزگشایی و وینچی شد. در قرن بیستم، بعضی از بزرگ‌ترین رمزگشایان جهان، از جمله ویلیام اف. فریدمن که رمز ژاپنی‌ها در جنگ دوم جهانی را حل گشوده بود، تلاش کردند تا معمای کتاب را حل کنند. پس از دهه‌ها تحلیل حتی او نیز مجبور شد نتیجه بگیرد که این دست‌نوشته «تلاشی ابتدایی برای ساخت زبانی مصنوعی یا جهان‌شمول از نوع پیشینی است.» این نظریه به‌اندازه‌ی کافی معقول است، اما حتی تلاش اندکی هم برای شرح زنان برهنه در سطل‌های شناور نمی‌کنند.

\*\*\*

من درباره‌ی اهمیت این نکته که کتاب باید معنایی داشته باشد قانع نشده‌ام. درحالی‌که نویسندگان نسخه‌ی دانشگاه ییل با فقدان راه‌حل کنار نمی‌آیند، برای مخاطب اروپایی قرون وسطا، فهم‌ناپذیری این قدر دلهره‌آور نبوده است. اکثر مردم در آن زمان تصدیق می‌کردند که منشأ تمام واقعیات خدایی برای درک بشری است. مخاطبان با یک بیت شعر گیج‌کننده، بیشتر از این‌که تحریک و عصبی شوند، به شوق می‌آمدند. خدا در ابهام حس‌کردنی بود؛ رازورمز به وجود معنایی کیهانی و برتر اذعان داشت.

ماکس ویر افسون‌زادی از جهان را اجبار مدرنیته به عقلی و منطقی کردن نامید؛ آسودگی همراه با امر فهم‌ناپذیر زایل شد. رازها دیگر اطمینان‌بخش

با چند پاراگراف متن. طرح‌ها از جهتی دلهره‌آورند، گویی کاتالوگی از گونه‌های مفرض شده است: پیازه‌های موداری که از آن‌ها سیبک‌هایی به‌رنگ سرخ زنگاری و جوانه‌های زرد بیرون زده‌اند. گل‌هایی بی‌رنگ بر روی برگ‌های خاردار شبیه به ونوس مگس‌خوار نشسته‌اند. موجودی میان اژدها و اسب دریایی برگی خال‌خالی را می‌مکد. بعضی از پیازه‌ها چهره دارند.

بخش دوم، یعنی بخش «نجومی»، مفصل‌ترین بخش دست‌نوشته است و نظام کیهان‌شناسی کاملی را پیش می‌نهد. این بخش شامل مجموعه‌ی از تصاویر تاشونده است از چیزهایی که شبیه به جداول سماوی هستند، با وجود این تجانس با هیچ تقویمی ندارند. درون بسیاری از این گردونه‌های نجومی طرح‌هایی از زنان برهنه وجود دارد. برخی از آن‌ها درون سطل زُست گرفته‌اند و به دستان برخی دیگر ستاره‌هایی مثل بادکنک‌های بسته به نخ چسبیده است. در مرکز بعضی از این جداول، اشکالی شبیه به گل یا ستاره وجود دارد و در برخی دیگر می‌شود بازتاب‌هایی از نجوم سنتی را یافت: بُز؛ آنچه می‌توانست عقرب باشد اما به خرچنگ شبیه‌تر است و همین‌طور، ندیمی کمان‌دار.

شهرت دست‌نوشته‌ی وینچ به‌خاطر بخش «استحمامی» آن است: کتابی که تا به این جای کار هم به‌اندازه‌ی کافی عجیب هست با این بخش تبدیل به نوعی داستان علمی‌تخیلی قرون‌وسطایی می‌شود. آب سبزرنگی، از آب‌خوان‌ها یا لوله‌هایی که گویی از داستان‌های دکتر سیوس آمده‌اند، به حمام‌هایی سرازیر می‌شود که در آن‌ها زنان موسیاه و بور با گونه‌های گلگون تجمع کرده‌اند. تعدادی از حمام‌ها شبیه به حفره‌هایی در زمین هستند و تعدادی دیگر انگار از سنگ خارا ساخته شده‌اند. تعداد کمی از آن‌ها پنجره دارند، درحالی‌که مابقی شبیه به کیک‌های عروسی شناور در هوا هستند. درون این منظره‌ی دلخواه خیالی، تخیلات دیگری در کارند تا ویرازهایی شوک‌آور بدهند: این پری دریایی است در حمام یا زنی که با خشنودی توسط یک ماهی بلعیده می‌شود؟

اگر دست‌نوشته‌ی وینچ نقطه‌ی اوجی داشته باشد، در خلال همین حمام‌هاست. بخش «داروشناسی» که آخرین بخش کتاب است، در مقایسه با آن تقریباً آشنا می‌نماید. پس از طراحی‌های داستان‌گون بیشتری از گیاهان و ابزارهایی که به‌نحو عجیبی شبیه به قلیان هستند، دست‌نوشته با صفحات پیاپی به زبان وینچی به پایان می‌رسد. نکته‌ی جالب زبان وینچی این است که جملات هرگز تکرار نمی‌شوند. زبان هیچ نشانی از تصحیح یا اصلاح ندارد، با وجود این تصادفی هم به نظر نمی‌رسد. القای این زبان محدود است و نوعی بی‌نظمی در پاراگراف‌ها به چشم می‌خورد، انگار تفکراتی واقعاً در حال انتقال هستند. وینچی آن‌قدر به زبانی غربی شبیه است که خود را مشغول

پاریس ریویو - دست‌نوشته‌های قرون‌وسطایی بازماندگان تهاجم وایکینگ‌ها و نیز رطوبت و پوسیدگی‌اند، اما، حتی با وجود صفحات و شیرازه‌ی ظریف و شکننده، بسیاری از آن‌ها درخشان باقی مانده‌اند. ورق‌های پوستی آن‌ها مزین به طلا و نقره و آراسته به تصاویر روح‌باورانه‌اند. سرتاسرشان نیز منقش به حاشیه‌نویسی‌های نسل‌اندرنسل صاحبان‌شان است. حتی نسخه‌های ساخته‌شده از چرم گوساله‌ی معمولی نیز همان شگفتی‌بی‌درما برمی‌انگیزند که سقف‌های دور از دسترس کلیساهای جامع.

دست‌نوشته‌ی وینچ ۲، مجلدی متعلق به اوایل قرن پانزدهم است که در کتابخانه‌ی باینکی در دانشگاه ییل نگهداری می‌شود. این کتاب، با متن دوار و تصویرسازی‌های رنگی‌اش، در نگاه اول شبیه به تمامی نسخه‌های این چنینی به نظر می‌رسد. اما، به‌محض شروع، در برابر خواننده‌شدن مقاومت می‌کند. هیچ عنوان یا نویسنده‌ی در کار نیست. به زبانی خارجی نیز نوشته نشده است، بلکه زبانش کاملاً ناشناخته است و با این‌که تصاویر آن انگار گیاهان، ستاره‌ها و حمام‌ها هستند، در واقعیت، هیچ نظیری در جهان شناخته‌شده ندارند. درست همانند خاطرات واسلاو نیژینسکی ۳ رقص، خارج از ژانر است و، درحقیقت، رهایی از این احساس دشوار است که توسط شخصی در آستانه‌ی جنون نوشته شده است. محققان قرن‌ها برای کشف رمز آن تلاش کرده‌اند. باور برخی این است که نوشته‌ی راجر بیکن فیلسوف است، درحالی‌که دیگرانی اصرار دارند که این دست‌نوشته باید هدیه‌ی آدم‌فضایی‌ها به بشریت باشد. متفکران بدبین‌تر اعتقاد دارند این دست‌نوشته حقه‌ی بیش نیست که احتمالاً شارلاتان‌های قرون‌وسطایی آن را خلق کرده‌اند. اما مهم نیست که با چه شدتی به‌دنبال معنای آن باشیم، کتاب از گردن‌نهادن به معنا سر باز می‌زند: این اثر کاملاً فهم‌ناپذیر است.

\*\*\*

دست‌نوشته‌ی وینچ کتاب زیبایی نیست. درواقع زمخت است و سرسری درست شده است. این اثر را به‌طور سنتی به چهار بخش گیاهی، نجومی، استحمامی (وابسته به حمام) و داروشناسی تقسیم کرده‌اند، نه به این دلیل که این بخش‌ها لزوماً درباره‌ی این موضوعات‌اند، بلکه تحلیل‌گران، در جست‌وجوی فهم، فکر می‌کنند که به این‌ها شباهت دارند. نمادها در خطوطی نثرگون مرتب شده‌اند که به زبان شباهت دارند، اما دلالت «زبان وینچی»، آن‌گونه‌که به آن شهرت یافته، هرگز برقرار نشده است. تصاویر رمزوراز کتاب را روشن نمی‌کنند، بلکه خود سایه‌های بیشتری بر ظلمت آن می‌افکنند.

بخش «گیاهی» طولانی این دست‌نوشته و اولین نشانه‌ی مشکوک آن متشکل است از طرح‌هایی از آنچه به‌نظر گیاهان ریشه‌کن شده می‌آیند، همراه



**داریانا افغان هوایی شرکت**  
ARIANA AFGHAN AIRLINES

**تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا**

**DUBAI**

**JEDDAH**

**ISTANBUL**

**ANKARA**

**MOSCOW**

**URUMQI**

**DELHI**

- 1 مسافری محترم آریانا می‌توانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- 2 سهولت انتخاب سیت برای مسافری محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافری محترم می‌توانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- 3 شرکت های سیاحتی می‌توانند برای مسافری گروهی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.